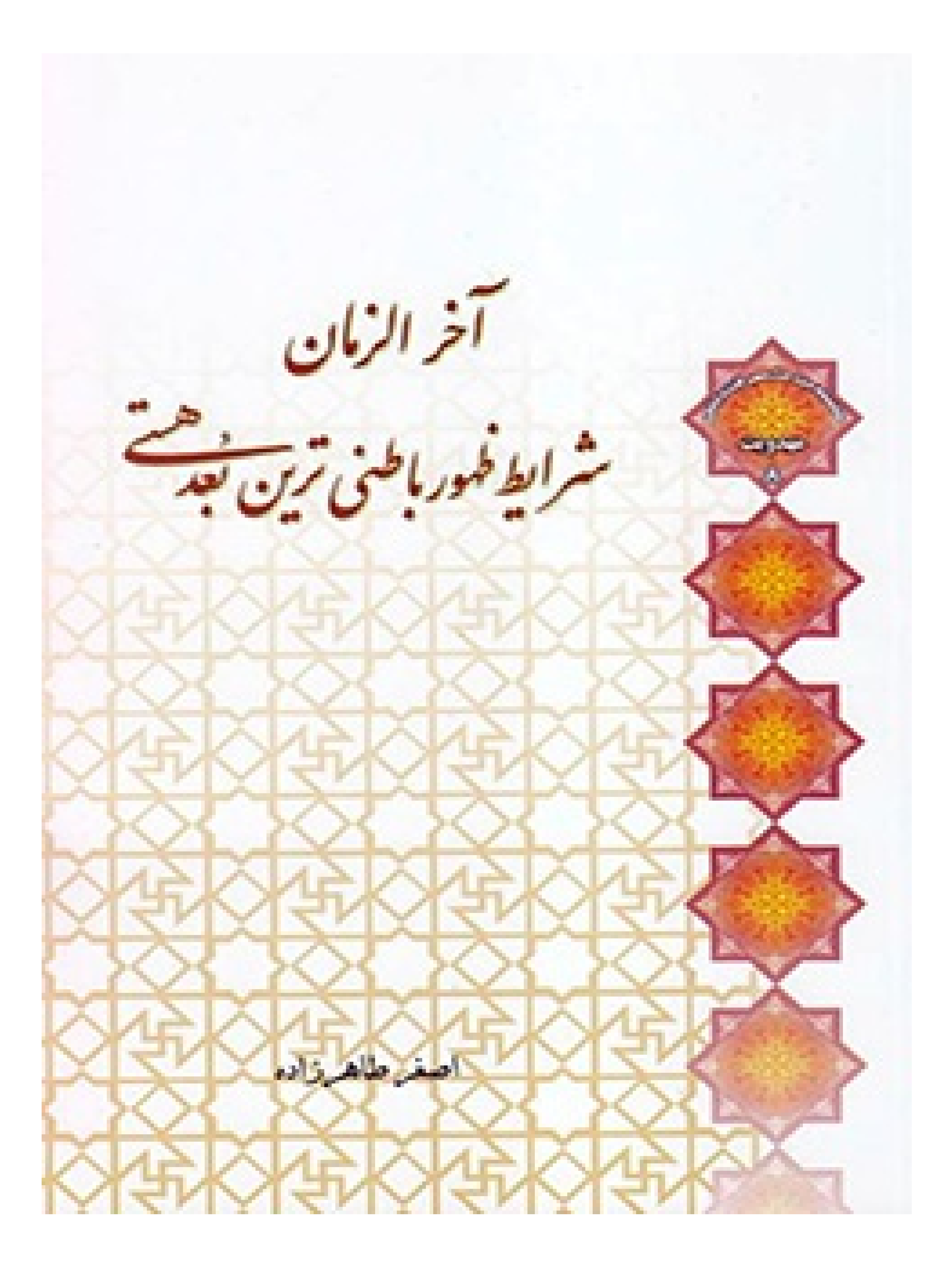

آخر الزمان
شرایط ظهور باطنی ترین بعد هستی
اصغر طاهرزاده


بسم الله الرحمن الرحیم

آخرالزمان؛ شرایط ظهور باطنی ترین بعد هستی

نویسنده:

اصغر طاهرزاده

ناشر چاپی:

لب المیزان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

آخرالزمان؛ شرایط ظهور باطنی ترین بعد هستی

مشخصات کتاب

سرشناسه : طاهرزاده، اصغر، ۱۳۳۰ -

عنوان و نام پدیدآور : آخرالزمان؛ شرایط ظهور باطنی ترین بعد هستی/ اصغر طاهرزاده.

مشخصات نشر : اصفهان: لب المیزان، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : ۷۹ ص.

فروست : سلسله مباحث معرفت دینی.مهدویت؛۸.

شابک : ۱۰۰۰۰ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۰۹-۳۷-۶ ؛ ۱۵۰۰۰ ریال(چاپ دوم)

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : چاپ دوم : ۱۳۹۱.

یادداشت : کتابنامه:ص.[۷۸]-۷۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

موضوع : آخر الزمان

موضوع : آخر الزمان (اسلام)-- احادیث

موضوع : آخر الزمان (اسلام) -- جنبه های قرآنی

رده بندی کنگره : BP۲۲۲/۳/ط۲آ۳ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۴

شماره کتابشناسی ملی : ۲۳۶۸۲۱۶

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

آخرالزمان؛ شرایط ظهور باطنی ترین بُعد هستی

اصغر طاهرزاده

ص: ۳

فهرست مطالب

مقدمه

باسمه تعالی

۱- شـرایط ظهور حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف به قدری عجیب و عظیم است که اندیشه های زیادی را جهت درک آن شـرایط به خود مشـغول می کند تا انسان متوجه شود چگونه با ظهور آن حضـرت، ابعاد پنهان و باطنی عالم به ظهور می آید و سنگ و درخت با یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن می گویند.

۲- بیش از آن که تصور شود حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف از عالم غیب به عالم شـهود می آیـد بایـد به این نکته توجه شود که عالم شـهود نیز آنچنان صـعود می کند که می تواند ظرف ظهور ابعاد غیبی حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گردد.

۳- رابطه ی بین ظهور پیـامبر آخرالزمـان صـلی الله علیه و آله و سـلم به عنوان حامل آخرین و کامل ترین دین و ظهور آخرین ولی خـدا به عنوان حامل آخرین اسـرار الهی ما را به این تأمل دعوت می کنـد که در آخرالزمان باطنی ترین ابعاد هستی ظهور خواهد کرد.

۴- وقتی حضرت سجاد در وصف منتظران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرمایند: «اَلْغیبهُ عِنْدَهُم بِمَنْزِلَهِ الْمُشاهده»(۱) غیبت نزد آن ها همانند مشاهده است، می فهمیم زمانه جهت ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باید آنچنان اوج بگیرد که دیگر عالم ماده حجاب بین انسان ها جهت رؤیت عالم غیب نباشد و این می رساند که ضروری است معارف خاصی به میان آید که بتواند انسان ها را به حضور عالم غیب سیر دهد تا زمینه ی ظهور آن حضرت فراهم گردد. اولین قدم، روی برگرداندن از تمدنی است که تماماً حسّی و حسّی زده است.

۵- اعتقاد به توحید و نافذبودن توحید، اقتضا می کند که متوجه باشیم توحید الهی همچنان تاریخ را در می نوردد و جلو می آید و روز به روز بیشتر ظهور می کند تا منجر به توحیدی ترین شرایط و حاکمیت موحد ترین انسان شود و در نتیجه در آخرالزمان انسان ها با تجلی کاملی از توحید الهی روبه رو خواهند شد و این یعنی ظهورِ ابعاد باطنی عالم هستی و پشت کردن به ظلماتی که مانع تجلی چنین توحیدی است.

این ها از نکاتی است که در این کتاب مورد بحث و بررسی قرار گرفته و فرهنگ انتظار را معنی کرده است تا معلوم شود باید منتظر چه چیزی بود و چگونه خود را برای چنان شرایطی آماده کرد. به امید آن که قدمی به سوی ظهورِ باطنی ترین بُعد هستی برداشته باشیم.

گروه فرهنگی المیزان

ص: ۸

۱- بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳.

بسم الله الرحمن الرحیم

)السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّهَ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ(

سلام بر تو ای بقیه الله در زمین خدا!

)السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِی أَخَذَهُ وَ وَكَّدَهُ(

سلام بر تو، ای میثاق و پیمان خدا، آن میثاقی که خداوند از جان و فطرت بندگان گرفت و آن را محکم نمود.

)السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِی ضَمِنَهُ(

سلام بر تو ای وعده ی خدایی که خداوند آن وعده را تضمین کرده!

بهترین نظر، نظری است که بر ذخیره ی عالم امکان، واسطه ی فیضِ حضرت حق و حامل ولایت تامّه ی الهی، بیفتد و بتوان همواره در ذیل سایه ی مبارک و حریم درگه آن حضرت به سر بُرد، به گفته ی حافظ:

وگر کمین بگشاید غمی ز گوشه ی دل

حریم درگه پیر مغان پناهت بس

امام صادق علیه السلام فرمودند: «إِنَّ لِلْقَائِمِ عجل الله تعالی فرجه الشریف غَيْبَهً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ»(۱) برای قائم قبل از آن که قیام کند غیبتی است. زُراره می پرسد: فدایت شوم اگر به آن دوران رسیدم چه کنم؟ حضرت فرمودند: این دعا را بخوانید: «اَللَّهُمَّ

۱- إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۳۱.

عَرِّفْنی نَفْسَـک فَـاِنَّک اِنْ لَـمْ تُعَرِّفْنی نَفْسَـک، لَمْ اَعْرِفْ نَبِیـک اَللّهُمَّ عَرِّفنی رَسوُلَـک فَـاِنَّک اِنْ لَم تُعَرِّفْنی رَسوُلَـک، لَمْ اَعْرِفْ حُجَتَک، اَللّهُمَّ عَرِّفنی حُجَّتَک فَاِنَّک اِنْ لَمْ

تُعَرِّفْنی حُجَّتَک ضَـلَلْتُ عَن دینی»(۱) خـدایا خـودت را به من بشـناسان که اگر خودت را به من نشـناسانی پیـامبرت را نخواهم شناخت، خدایا رسول خود را به من بشـناسان که اگر او را به من نشـناسانی حجتت را نخواهم شـناخت و اگر حجت خود را به من نشناسانی در دینم گمراه خواهم شد.

در دعای فوق به خدا عرض می کنی اگر خودت را به من نشـناسانی از آن جایی که باید بوی تو را در پیامبرت بیابم، پیامبرت را هم نخـواهم شـناخت. بـاز عرضه می داری حجتت را به من بشـناسان، چون نور وجود غیـبی ترین مرتبه ی عـالم وجود یعنی مقام حضـرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشـریف بالاتر از آن است که با عقل و فکر عادی بتوان به آن نزدیک شد و از نور آن حضـرت بهره منـد گشت. هر انسـانِ بصـیری متوجه است که موضوع شـناخت حجت الهی بالاتر از آن است که خودش به تنهـایی بتوانـد آن راه را طی کنـد، لـذا از طریق دعا از خـدا می خواهـد در ظلمات آخرالزمان نظرش را بر نور وجود حضـرت حجت بیندازد و در ذیل سایه ی مبارک ایشان به سر برد.

لطف خدا در شناخت حجّت الهی

وقتی متوجه شدیم حضـرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف در مقامی هسـتند که دل ها برای درک انوار آن حضـرت باید آماده شوند در آن صورت نهایت تلاش

۱- غیبت نعمانی، ص ۱۶۶.

را انجام می دهیم تا خدا لطف کند و آن حضرت را به ما بشناساند تا معلوم شود نورِ وجود آن حضرت بسیار بالاتر از آن چیزی است که خودمان با فکر بتوانیم به آن برسیم. این موضوع نه تنها یک موضوع ضد عقلی نیست بلکه ماوراء آن مفاهیمی است که الفاظ بتوانند آن را توصیف کنند، به همین جهت حضرت صادق علیه السلام توصیه می فرمایند: از خدا بخواهید تا در راستای شناساندن خودش و پیامبرش، حجت خود را نیز به شما معرفی کند.

باید این آمادگی در ما پیدا شود تا نور حجت الهی بر جان ما تجلی نماید به طوری که حضرت صادق علیه السلام می فرمایند: «لَما یَکُونُ بَیْنَهُمْ وَ بَیْنَ الْقَائِمِ بَرِیدٌ یُکَلِّمُهُمْ فَیَسْمَعُونَ وَ یَنْظُرُونَ إِلَیْهِ وَ هُوَ فِی مَکَانِه»(1) چون قائم ما قیام کند، میان مردم و او پیکی واسطه نیست، او سخن می گوید و همه می شنوند و او را در همان جایی که هست می بینند. این روایت نشان می دهد همیشه حضرت در چنین شرایطی هستند که با تجلی وجودِ خود، قلب انسان ها را با دستور خدا منور می کنند، باید انسان ها آمادگی لازم را پیدا کنند تا تحت تأثیر دستورات نورانی حضرت قرار گیرند.

اگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرآنی با آن همه عظمت به صورت معجزه نیاورده بود ما نمی توانستیم ایشان را به عنوان کسی که از طرف خدا مبعوث شده بشناسیم. خداوند چنین لطفی به ما دارد که علاوه بر شناساندن خود، پیامبرش را نیز به ما بشناساند. اگر خداوند فقط به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وَحی می کرد و حضرت می فرمودند: من پیامبر خدا هستم، چگونه ما مطمئن

1- الکافی، ج 8، ص 241.

می شدیم او پیامبر خدا است؟ صرف این که آن حضرت انسان راستگو و درستکاری بودند برای اثبات نبوتشان کافی نیست. به فرمایش علامه طباطبایی«رحمه الله علیه» برای اثبات نبوت حتماً معجزه نیاز است، حتی اگر عقل هم قانع شود که باید آن شخص پیامبر باشد کافی نیست مگر این که معجزه ای به میان آید تا معلوم شود آن پیامبر چیزی با خود آورده که در حدّ توانایی هیچ بشری نیست. لذا ملاحظه می کنید قرآن معجزه ی عظیمی است. هندسه ی کلمات و آهنگ خاص و محتوای عجیب قرآن، همه حکایت از آن دارد که محال است بشریت بتواند چنین کاری را انجام دهد. همچنان که عصای موسی علیه السلام به این معنی معجزه است.

همان طور که خداوند کمک می کند تا ما پیامبر را بشناسیم، کمک می نماید تا حجت و ولیِّ او را بشناسیم. زیرا اگر حجت خدا را نشناسیم به کلی از مسیر دینداری منحرف می شویم همانگونه که با غفلت از مقام علی علیه السلام در صدر اسلام عده ای دچار انحراف شدند. باید از خود بپرسید این چه نگاهی است که اگر انسان چنین نگاهی به حجت خدا نداشته باشد، نه قرآن به کارش می آید و نه معرفت خدا و نه معرفت نبیّ؟ با این که معرفت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ضروری است ولی امام می فرمایند: به خدا بگو اگر حجّتت را به من نشناسانی به انحراف می افتم و مقصد اصلی خود را گم می کنم. پس اولاً: باید نسبت به شناخت امامان جدّی باشیم. ثانیاً: باید آمادگی داشته باشیم تا لطف بزرگی از طرف خدا به ما برسد و بتوانیم امام زمان مان را بشناسیم. این بزرگ ترین لطف خدا است و موجب

می شود تا جهت اصلی شخصیت انسان شکل بگیرد و به زندگی و مرگ جاهلیت گرفتار نگردد.

وقتی روشن شد شناخت حجت خدا چه برکاتی به همراه دارد، باید خود را آماده کنیم تا خداوند خودش آن حضرت را به ما بشناساند. یکی از معانی «انتظار» برای فرج، فرجِ شناختن حجت خدا است و تا چنین فرجِ فردی تحقق نیابد، شرایط تحقق فرج عمومی فراهم نمی شود. حضرت سجاد علیه السلام می فرمایند: «انْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنْ أَعْظَمِ الْفَرَجِ»(۱) انتظار فرج از بزرگترین فرج ها است. فرصت زیادی نیاز است تا مبنای معرفتی این روایت مورد بحث قرار گیرد ولی آنچه فعلاً مورد نظر است توجه به این نکته است که نقش انتظارِ فرج چه اندازه است، می فرمایند: بالاترین پیروزی را در نفسِ انتظاری جستجو کن که از خدا می خواهی حجت خود را به تو بشناساند که در نتیجه ی چنین شناختی مقام حضرت در عالم و نحوه ی «حضور خاصِ» ایشان روشن می شود، چون حضرت علاوه بر «حضور عام»، دارای حضوری خاص هستند که برای منتظرانشان محقق می گردد.

وارد شدن در عالَم انتظار موجب تجلی حضور خاص بر قلب انسان منتظِر می شود تا حجت خدا را بشناسد و از عالم ماده بالاتر رود. اگر نظر به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را جدّی نگیریم وقتی ظهور عام آن حضرت واقع شود معلوم نیست چیزی به ما برسد، همین طور که بعضی ها با ظهور آخرین پیامبر چیزی به دست نیاوردند زیرا همچون سلمان نبودند که منتظر آمدن

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۰.

حضرت باشند و معنی جهان را طوری نفهمیدند که متوجه شوند وجود چنین پیامبری ضروری است.

پس باید بعد از معرفت به جایگاه حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف با تمام وجود نظرها را به ظهور او انداخت. اگر کسی نفهمد این جهان در بلوغ خود به ظهور حجت الهی می رسد معنی زندگی در زمین را نفهمیده. چنین شخصی نه می تواند منتظر باشد و نه وقتی حضرت ظهور کنند، می تواند با آن حضرت ارتباط برقرار نماید.

ظهور خاصِ حضرت، نوری است از انوار الهی که به تجلی رحمانی بر قلب سالکانِ مقید به شریعت محمدی صلی الله علیه و آله و سلم تابانده می شود. گفت:

هرچه

روی دلت مصفاتر

زو

تجلی تو را مهیاتر

با تجلیِ نور خاص حضرت، جان انسان معنی جایگاه حضرت در عالم را می چشد و مسلم هرکس از آن نور بهتر چشانیده شد بهتر او را می شناسد و در همین رابطه عرفا فرموده اند: «مَنْ لَمْ یذُقْ لَمْ یعْرِف»(۱) آن کس که نچشد نخواهد شناخت. آن کس که نور تجلی خاص حضرت را چشید با تمام اشتیاق طالب ظهور عالَم حضرت خواهد بود تا تمام عالم را منور به نور حضرت بنگرد.

شناخت ظهور خاص؛ مقدمه ی ظهور عام

اگر انسان از طریق ظهور خاص به امام عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفت پیدا کرد وقتی ظهور عامِ حضرت واقع شود به خوبی ایشان را می شناسد و از وجود آن حضرت

۱- شرح فصوص خوارزمی، ج ۲، ص ۶۵۳ (فَصّ حکمهٍ قَدَریه فی کلمه عُزیریه)

بهره منـد می شود و حتی چنانچه ظهور عام حضـرت در زمان حیات شـما واقع نشود تمام نتایج آن ظهور برای شـما محقق می شود به طوری که راوی از حضرت صادق علیه السلام می پرسد چه می فرمائید درباره ی کسی که در حال انتظارِ حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشـریف بمیرد؟ حضـرت فرمودنـد: «هُوَ بِمَنْزِلَهِ مَنْ کَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِی فُسْطَاطِهِ، ثُمَّ سَکَتَ هُنَیْئَهً ثُمَّ قَالَ هُوَ کَمَنْ کَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم»(۱) مقام او مانند مقام کسی است که در خیمه ی حضرت قائم باشد، سپس کمی تأمل کرده و فرمودند: مانند کسی است که در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده است.

وقتی توحیدِ خدا را شناختیم و متوجه شدیم معنی توحید یعنی نفی غیر خدا، به خوبی متوجه می شویم سیر عالم به سوی ظهورِ هر چه بیشترِ توحیـد است و لازمه ی آن ظهور، حـاکمیت انسـانِ موحـدِ کامـل است که نه تنهـا در درون نفس خود در مقـام توحید محض مستقر است، از بیرون نیز به حاکمیت توحید مبادرت می ورزد. عمده آن است که متوجه حضور توحید الهی در عالم باشیم و به نحوه های متفاوت ظهور آن توحید نظر کنیم، که گفت:

دیده

آن باید که باشد شه شناس

تا

شناسد شاه را در هر لباس

مسلّم شـاهِ هستی یعنی خـدا در لبـاس ولیّ مطلق، یعنی حضـرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشـریف، ولایت مطلق خود را به نمایش می گـذارد تا توحیـد در عالمِ ارض نیز به صورت کامل ظهور کند و زمین به بلوغ خود برسد. محال است کسـی خد ا شناس باشد و منتظر حجت خدا به عنوان موّحد کامل که

۱- بحارالأنوار، ج ۵۲ ، ص ۱۲۵.

حامل اِعمال ولایت مطلق خداوند در آخرالزمان است، نباشد و محال است جایگاه نوری و آسمانی امام را بفهمد و وجود مقدس امام علیه السلام را در همه ی عالم، انگشت اشاره به حضرت حق نبیند. این دو یعنی توحید خدا و ظهور توحید در عالم از یک طرف و پیاده شدن آن در عالم توسط موحدی کامل از طرف دیگر به هم ربط دارد. آن کس که ظهور توحید حق را می خواهد حتماً به دنبال امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و آن که امام را یافت، حتماً منتظر ظهور او در عالم است، چون می داند حق باید به طور کامل در صحنه ی هستی حاکم شود و در نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعیِ عالم ظهور نماید.

تأکید ما این است که ابتدا باید اعتقادمان نسبت به حضرت مهدی علیه السلام درست باشد تا معنی حاکمیت احکام الهی در عالم روشن گردد وگرنه همان طور که خیلی ها در صدر اسلام، وقتی با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روبه رو شدند آن حضرت را به عنوان پیامبر خدا پذیرفتند ولی چون عمق توحیدی دین را درک نکردند ندانستند چگونه باید راه و رسم توحیدی زندگی کردن را ادامه دهند، ما هم وقتی متوجه حضور توحید در عالم نباشیم چگونه منتظر بمانیم تا حقیقتِ توحید توسط انسانی کامل ظهور کند؟ غفلت از حضور توحیدیِ حق موجب می شود تا عملاً نتوانیم منتظر بمانیم تا حقّ در همه ی مناسبات بشر حاکم شود. تا انسان به درجه ای از شعور توحیدیِ ناب نرسد در زمره ی منتظران قرار نمی گیرد، به همین جهت حضرت سجاد علیه السلام در وصف منتظرانِ امام دوازدهم علیه السلام می فرمایند: آن هایی که در زمان غیبت او قائل به امامت او و منتظر ظهور اویند، برترین مردم همه ی زمان هایند، چون

خداونـد به آن هـا شـعور و فهمی می دهـد که غیبت او نزد آن ها هماننـد مشاهـده ی اوست و خداونـد این ها را در آن زمان هماننـد مجاهـدان در کنـار رسول الله صـلی الله علیه و آله و سـلم قرار می دهـد، این ها مخلصان حقیقی و شـیعیان راستین ما و دعوت گران به سوی دین خدا در نهان و آشکار هستند.(۱)

رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام فرمودند: ای علی! بدان که شگفت انگیزترین مردم از جهت ایمان و عظیم ترین آن ها از روی یقین، مردمی هسـتند که در آخرالزمان خواهنـد بود، پیامبر را ندیده اند و از امام نیز محجوبند، اما به سوادی که بر بیاضی نوشته شده ایمان دارند.(۲)

این که چنین انسـان هـایی انتظار فرج را موضوعی مهم و مؤثر و سازنـده می داننـد به جهت آن شـعور توحیـدی نابی است که دارنـد و نه تنهـا متـوجه آینـده ای متعـالی برای عـالم بلکه متوجه وجود حقیقـتی بزرگ در عـالم هسـتند و آن حقیقت بزرگ عبارت از آن است که غیبی ترین گوهر در عالم هستی، در آخر الزمان ظهور می کند. رسـیدن به چنین معرفتی بصیرتی خاص به انسان می بخشد.

ظهور غیبی ترین گوهر

یـک قاعـده ی عقلی می گویـد: «اَلنَّهایـاتُ هِیَ الرُّجوعُ اِلَی الْبِـدایات»(۳) یعنی آنچه در انتهـا در عـالمِ خـارج ظـاهر می شود، برگشتش به آن ابتدائی است که در عالم علمی و غیبی بوده. مثل این که آنچه در انتها به صورت

۱- بحارالأنوار، ج ۵۲، ص۱۲۲.

۲- کمال الدین، ج ۱، ص ۵۳۸، باب ۲۵، ح ۸ .

۳- شرح بر زادالمسافر، سید جلال الدین آشتیانی، ص ۶۳.

یـک صـندلیِ کامـل بـا آن روبه رو می شویـد مطـابق است بـا صورت ذهنی و علمیِ سازنـده ی آن که در ابتـدا در ذهن خود داشت و بر اساس آن صورت ذهنی و علمی، صـندلی را طراحی کرد و با تهیه ی اجزاء صـندلی و اتصال آن اجزاء، صـندلی را سـاخت. در حین ساختن ممکن است چهار پایه اش را ساخته باشـد ولی هنوز آن صـندلی که در ذهن و در علم خود داشت به وجود نیامـده باشـد مگر در آخر و نهـایت. پس در واقع نهایت هر چیزی بر گشت دارد به ابتـدای آن چیز، منتها یک طرف آن چیز جنبه ی علمی و ذهنی و غیبی آن است و یـک طرف دیگر آن جنبه ی عینی و خـارجی آن می باشـد. حال با توجه به این قاعده یک نبوت در عالم خارج داریم که شروعش از حضرت آدم علیه السلام است و ختمش به محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سـلم می باشـد، از طرفی چون مقام نبوت حضـرت محمد صـلی الله علیه و آله و سـلم نهایتِ نبوت است طبق آن قاعده بایـد به نبوتی در عالم غیب ربط داشـته باشـد که فوق نبوت های موجود در عالم عین و خارج است تا آنچه در عالم خارج در نهایت موجود شـد بر گشت کنـد به آنچه در ابتـدا در عالم غیب موجود بود. در همین رابطه رسول خـدا صـلی الله علیه و آله و سلم می فرماینـد: «کُنتُ نَبِیّاً وَ آدَمُ بَیْنَ الْمـاءِ وَ الطّینِ»(۱) من پیـامبر بـودم در حـالی که آدم هنوز بین آب و گِل بود و به دنیا نیامـده بود. حضـرت در این روایت به مقام غیبی نبوتِ خود اشاره دارند. زیرا آن مرحله ی نبوت که از نظر غیبی اول است، از نظر عینی آخر خواهد بود. آری! آدم علیه السلام در عالم عین و خارج اولین نبی است ولی اولین نبی در

۱- بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۲۷.

عالم غیب که کامل ترین نبوت است، مربوط به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم می باشد و مسلّم آن نبوت در عالم عین و خارج آخرین خواهد بود.

ولایت؛ باطن نبوت

علمای اسلامی بحثی را مطرح می کنند مبنی بر این که «ولایت باطن نبوت است»(۱) به این معنی که هر پیامبری ابتدا ولیّ است و سپس به

ص: ۱۹

۱- به تقریرات فلسفه از امام خمینی«رضوان الله تعالی علیه» ج ۲، ص ۲۴۷ مراجعه شود. مرحوم استاد سید جلال الدین آشتیانی در شرح دعای سحر از حضرت امام می نویسد: امام خمینی«رضوان الله تعالی علیه» از شیخ عارف کامل خود مرحوم حاج شیخ محمد علی شاه آبادی نقل می کند که او گفته است: «ان السالک بقدم المعرفه اذا تمّ سفره الثالث یری بهویته الجمعیه فی جمیع مراتب الموجودات و یری بعین البصیره جمیع مصالح العباد من امور المبدأ و المعاد و ما یقرّبهم إلیه و یبعّدهم عنه و الطرق إلی اللّه، و له التشریع فی هذا المقام، و کان هذا المقام حاصلا لمولانا قطب الموحدین أمیر المؤمنین و الائمه المعصومین من بعده، و لکن رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم لمّا تقدم علیهم زمانا و کان صاحب المقام أظهر الشریعه، فلم یبق مجال التشریع لأحد لتمامیه شریعته فلابُدّ للأولیاء الذین من بعده من متابعته. و لو فرضنا تقدم أمیر المؤمنین علیه السلام لکان له أن یظهر أمر الرساله و لرسول اللّه تبعیته اذا جاء بعده، و لکن الحجه البالغه اقتضت بأن یکون صاحب الشریعه رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم» هنگامی که سالک إلی اللّه در سیر خود با قدم معرفت، سفر سوم را به پایان رساند با هویت جمعی خود که در همه ی مراتب موجود است همه ی امور بندگان را از مبدأ و معاد و آنچه باعث تقرب آنان به خداست و دوری آنان از اوست و همه ی راه های خدایی را مشاهده می کند، و در این مقام است که از برای او حقِّ تشریع هست. و این مقام از برای قطب الموحدین مولاـ امیر المؤمنین و ائمه ی معصومین علیهم السلام حاصل بود ولی چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را حصول این مقام از نظر زمانی پیشتر بود این حق به آن حضرت اختصاص یافت و اظهار تشریع کرد و دیگر مجالی از برای اولیاء خدا که بعد از او بودند برای تشریع باقی نماند، بلکه وظیفه ی آنان تبعیت از تشریع آن حضرت بود، و اگر فرضا چنین اتفاق می افتاد که امیر المؤمنین علیه السلام تقدم زمانی بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم داشت و یا هر یک از ائمه ی دین را بر آن حضرت تقدم زمانی بود این حقِّ تشریع متعلق به متقدم بود و متأخر می بایست از او تبعیت نماید، ولی حجت بالغه ی الهی چنین اقتضا کرد که رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم صاحب شریعت باشد.

پیامبری خدا مبعوث می شود، زیرا مقام ولایت، مقام قرب و اتحاد خاص بین عبد با رب است، از طرفی وقتی متوجه باشید آن پیامبری که در موطن غیبی، اول بود در موطن عالم شهود، آخر است، آن بُعد از این نبی یعنی ولایت که باطن اوست در آخرین مرحله از سیرِ کمالی شریعت ظهور می یابد به این معنی که طبق قاعده ی «النّهایات هِی الرُّجوع الی البدایات» وقتی کامل ترین جلوه های اسلام بنا است ظهور کند آنچه در باطن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود یعنی «ولایت» در آخرین مرحله در عالمِ خارج، ظهور پیدا می کند. و در آن زمان غیبی ترین بُعدِ وجودی پیامبر اسلام یعنی ولایت، ظهور خارجی می یابد. حتماً این روایت را شنیده اید که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دو انگشت مبارک شان را پهلوی هم گذاشتند و فرمودند: «يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ إِنِّی إِنَّمَا بُعِثْتُ أَنَا وَ السَّاعَةُ كَهَاتَيْنِ»(۱) ای مردم! بعثت من و قیامت از نظر فاصله مثل فاصله ی این دو انگشت است. یعنی همین که من آمدم آخرالزمان که مقدمه قیامت است، شروع شد. پس آن پیامبری که در عالم غیب ابتدا بود چون ظهور کرد نهایت پیامبری ظهور کرده دیگر پیامبری بعد از او نیست و از این به بعد، زمان ظهور بُعد غیبیِ آخرین پیامبر است که همان ولایت تامّه است. و لذا آن بُعدی از نبوت که در سایر انبیاء به صورت سِرّی بود در مورد آخرین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به صورت آشکارا در

۱- أمالی المفید، ص ۱۸۸.

جمال علی علیه السلام ظاهر می شود، به طوری که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این رابطه می فرمایند: «لِکَلِّ نَبِیّ صاحِبُ سِرٍّ وَ صاحِبُ سِرّی عَلیّ بن أبی طالب»(۱) برای هر پیامبری صاحب سرّی هست و صاحب سرّ من علی بن ابی طالب می باشد. و نیز از حضرت امیر علیه السلام هست که فرمودند: «کُنتُ مَعَ جَمیع الأَنبیاء سِرّاً وَ مَعَ الخاتم صلی الله علیه و آله و سلم جَهراً»(۲) من با همه ی انبیاء به صورت باطنی و با خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله و سلم به صورت آشکارا هستم. همچنان که از حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و سلم روایات شده: «بَعَثَ علیّ مَعَ کُلِّ نَبیّ سِرّاً وَ مَعی جَهراً».(۳) علی با هر پیامبری به صورت باطنی بر انگیخته شد و با من به صورت ظاهر.

آخرالزمان و ظهور باطنِ آخرین نبیّ

زمان بعثت آخرین نبی، با زمان ظهورِ باطن او یعنی ولایت، همراه است. این ولایت در ابتدا دارای وجود غیبی بود و هم اکنون ظهور آن شروع شده و هر روز این باطن، ظاهرتر می شود. همان طور که «نبوتِ» کسی که در ابتدا به عنوان حقیقت محمدی صلی الله علیه و آله و سلم در عالم غیب بود در آخر ظهور کرد و نبوت، به کامل ترین شکل ظاهر شد، در مورد ولایت نیز آنچه در ابتدای نبوتِ آخرین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ظاهر شد همچنان ادامه می یابد تا در آخرین مرحله ی کمال شریعت محمدی صلی الله علیه و آله و سلم در جمال حضرت

۱- ینابیع الموده، ص ۲۳۵ ، احقاق الحق و ازهاق الباطل، ج ۴، ص ۲۲۶.

۲- ینابیع الموده، ص ۲۳۵- امام خمینی«رضوان الله علیه»، تقریرات فلسفه، ج ۲، ص ۲۴۷.

۳- کلمات مکنونه، ص ۱۸۶ و جامع الأسرار، ص ۳۸۲ و ۴۰۱.

مهـدی عجـل الله تعـالی فرجـه الشـریف بـه کامـل ترین شـکل ظهـور کنـد و این است معنی ظهـور غیـبی ترین بُعـد هسـتی در آخرالزمان از طریق وجود مقدس امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

ملاحظه فرمودیـد که ظهور ولایت از علی بن ابیطالب علیه السـلام شـروع شد و همچنان ادامه می یابد تا ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف و اگر رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سـلم فرمودند: «عَلِیٌّ نَفْسِـی»(۱) علی جـان و نفس مـن است، آن نفس در عین آن که در بـاطن رسول خـدا صـلی الله علیه و آله و سـلم است، به جلوه ی علی علیه السـلام ظاهر می شود، همان طور که خداوند در معراج با زبان و صوت علی علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سخن گفت. چون نفس هرکس در آن شـرایطِ باطنی، ظهور می یابـد و لذا حضـرت حق برای رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سـلم با زبان و صوت باطن آن حضـرت یعنی علی علیه السـلام سـخن می گویـد. یکی از اصـحاب از رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سـلم سؤال کرد با چه لغتی پروردگار شما در شب معراج با شما سخن گفت؟ فرمودند: «خاطَبَنی بِلُغَهِ علی بن ابی طالب وَ اَلْهَمَنی» با لغت علی به من خطاب کرد و الهام فرمود تا این که من عرض کردم پروردگارا! تو با من سـخن می گویی یا علی؟ فرمود: ای احمـد من چیزی چـون اشـیاء نیسـتم و بـا مردم و اشیاء قیـاس نمی شوم. تو را از نور خود خلق کردم و علی را از نور تو و او را بر بـاطن قلب تو تابانیـدم و در قلب تو کسـی را دوست داشـتنی تر از علی بن ابی طـالب نیـافتم پس بـا زبـان او و بـا تو سـخن گفتم تـا قلب تو را آرامش بخشم.(۲) همان طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در جریان مباهله با مسیحیان نجران آنجایی که خداوند به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: بگو بیایید فرزندان و زنان و نفس های

۱- الاربعون حدیثا، شهید اول، ص ۷۳.

۲- بحارالأنوار، ج ۱۸، ص ۳۸۶، نقل از مناقب خوارزمی.

خود را بخوانیم و سپس به دروغ گویان لعنت کنیم،(۱) در ازاء نفس خود، علی علیه السلام را آوردند تا معلوم شود امیرالمؤمنین علیه السلام به جهت مقام ولایت، جان پیامبر یعنی باطن نبوت است.

ائمه علیهم السلام منتظِر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

وقتی روشن شد ولایت به عنوان جنبه ی باطنی نبوت با علی علیه السلام ظهور یافت و با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در نهایتِ خود به کمال می رسد معلوم می گردد چرا امام صادق علیه السلام عاشق امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند و می فرمایند: «لَوْ اَدْرَکْتُهُ لَخَدَمْتُهُ اَیّام حَیاتی»(۲) اگر مهدی را درک کنم تمام عمر در خدمت او قرار می گیرم. امام صادق علیه السلام، جنبه ی نهایی ولایت خود را در امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می دیدند. گریه می کنندکه آیا می شود چشم من به جمال فرزندم مهدی، روشن بشود!(۳)

امام حسین علیه السلام نقل می فرمایند: «مردی نزد

۱- سوره ی آل عمران، آیه ی ۶۱.
۲- بحار الانوار، ج۵۱، ص ۱۴۸- غیبت نعمانی، ص ۲۴۵، ح ۲۳.
۳- حضرت صادق علیه السلام در نیایش با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین اظهار می دارند: «سَیِّدِی غَیْبَتُکَ نَفَتْ رُقَادِی وَ ضَیَّقَتْ عَلَیَّ مِهَادِی وَ ابْتَزَّتْ مِنِّی رَاحَهَ فُؤَادِی سَیِّدِی غَیْبَتُکَ أَوْصَلَتْ مُصَابِی بِفَجَائِعِ الْأَبَدِ وَ فَقْدُ الْوَاحِدِ بَعْدَ الْوَاحِدِ یُفْنِی الْجَمْعَ وَ الْعَدَدَ فَمَا أُحِسُّ بِدَمْعَهٍ تَرْقَى مِنْ عَیْنِی وَ أَنِینٍ یَفْتُرُ مِنْ صَدْرِی عَنْ دَوَارِجِ الرَّزَایَا وَ سَوَالِفِ الْبَلَایَا إِلَّا مُثِّلَ بِعَیْنِی عَنْ غَوَابِرِ أَعْظَمِهَا وَ أَفْضَعِهَا وَ بَوَاقِی أَشَدِّهَا وَ أَنْکَرِهَا وَ نَوَائِبَ مَخْلُوطَهٍ بِغَضَبِکَ وَ نَوَازِلَ مَعْجُونَهٍ بِسَخَطِکَ»(کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۳) ای آقای من! غیبت تو خواب از دیدگانم ربوده و بسترم را بر من تنگ ساخته و آسایش قلبم را از من سلب نموده است. ای آقای من! غیبت تو اندوه مرا به فجایع ابدی پیوند داده، و فقدان یکی پس از دیگری، جمع و شمار را نابود کرده است، من دیگر احساس نمی کنم اشکی را که از دیدگانم بر گریبانم روان است و ناله ای را که از مصائب و بلایای گذشته از سینه ام سر می کشد، جز آنچه را که در برابر دیدگانم مجسّم است و از همه ی گرفتاری ها بزرگ تر و جانگدازتر و سخت تر و ناآشناتر است، ناملایماتی که با غضب تو در آمیخته و مصائبی که با خشم تو عجین شده است.

پدرم آمد و از اوصاف مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسید. حضرت وقتی صفات او را ذکر کرد با حالتی سرشار از عشق و شیدایی آهی کشید و از شدت اشتیاقی که به ایشان داشت؛ «أوْمَأَ بِیدِهِ إلی صَدْرِهِ شوقاً إلی رُؤْیتِهِ» به سینه ی خود اشاره فرمود و گفت: وه که چه مشتاق دیدارش هستم».(۱)

این روایت خبر از آن دارد که ائمه علیهم السلام حقیقتی دارند که به عنوان باطنِ نبوت باید به طور کامل ظهور کند و هنوز زمینه ی ظهور کامل آن حقیقت فراهم نشده است و لذا خود ائمه علیهم السلام هم منتظر ظهور و مشتاق آن حقیقت باطنی هستند که در امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق می شود.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف طوری حقایق را می نمایانند که هیچ چیز در حجاب نمی ماند و لذا در روایت داریم حضرت در هیچ امری کوتاه نمی آیند. در جواب نامه ی اسحاق بن یعقوب که توسط محمدبن عثمان عَمری به آن حضرت رسید، نوشتند: «وَ أَمَّا عِلَّةُ مَا وَقَعَ مِنَ الْغَیْبَةِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ یَقُولُ «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَسْئَلُوا عَنْ أَشْیاءَ إِنْ تُبْدَ لَکُمْ تَسُؤْکُمْ»(۲) إِنَّهُ لَمْ یَکُنْ أَحَدٌ مِنْ آبَائِی إِلَّا وَقَعَتْ فِی عُنُقِهِ بَیْعَةٌ لِطَاغِیَةِ زَمَانِهِ وَ إِنِّی أَخْرُجُ حِینَ أَخْرُجُ وَ لَا بَیْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاغِیتِ فِی عُنُقِی وَ أَمَّا وَجْهُ الِانْتِفَاعِ بِی فِی غَیْبَتِی فَکَالانْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَیَّبَهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ وَ إِنِّی لَأَمَانٌ لِأَهْلِ

۱- غیبت نعمانی، ص ۲۱۲، ح ۱.

۲- سوره ی مائده،آیه ی ۱۱۰.

الْأَرْضِ کَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ فَأَغْلِقُوا أَبْوَابَ السُّؤَالِ عَمَّا لَا یَعْنِیکُمْ وَ لَا تَتَکَلَّفُوا عَلَی مَا قَدْ کُفِیتُمْ وَ أَکْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِیلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِکَ فَرَجُکُم».(۱) و اما علت آن که غیبت واقع شده بر اساس همان فرمایش پروردگار است که فرمود: «ای مؤمنان! چیزی را نپرسید که اگر برای شما روشن شود ناراحت می شوید». و حال قضیه از این قرار است که هیچ یک از پدران من نبودند مگر آن که بیعتی از طاغوتِ زمانشان بر گردنشان بود و من در شرایطی خروج می کنم که بیعت هیچ طاغوتی بر عهده ام نیست، پس شما با دعایی که جهت فرج می کنید آن شرایط را فراهم نمایید که فرجِ شما به آن دعاها و آن شرایط است.

ابی سعید عقیصا می گوید: چون حسن بن علی«علیهماالسلام» با معاویه مصالحه کرد، مردم به نزد او آمدند و برخی از آن ها امام را به واسطه ی بیعتش مورد سرزنش قرار دادند. پس حضرت فرمودند: «وای بر شما! می دانید چه کردم؟ به خدا سوگند! این عمل برای شیعیانم از آن چه آفتاب بر آن بتابد و غروب کند بهتر است، آیا نمی دانید من امام مفترض الطاعه بر شما هستم و به فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یکی از دو سروران بهشتم؟ گفتند: آری ... فرمود: «أَ مَا عَلِمْتُمْ أَنَّهُ مَا مِنَّا أَحَدٌ إِلَّا وَ یَقَعُ فِی عُنُقِهِ بَیْعَهٌ لِطَاغِیَهِ زَمَانِهِ إِلَّا الْقَائِمُ الَّذِی یُصَلِّی رُوحُ اللَّهِ عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ علیه السلام خَلْفَهُ ...» آیا می دانید که هیچ یک از ما ائمه نیست جز آن که بیعت طاغوتِ زمانش بر گردن او است مگر قائمی که روح الله، عیسی بن مریم پشت سر او نماز می خواند؟ خداوند

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص ۹۲.

ولادت او را مخفی سازد و شخص او نهان شود تا آن گاه که خروج کند، پس بیعت احدی بر گردن او نباشد، او نهمین از فرزندان حسین است و فرزند سرورکنیزان. خداوند عمر او را در دوران غیبتش طولانی گرداند...».(۱)

به این معنی است که عرض شد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف طوری حقایق را می نمایانند که هیچ حجابی در مقابل او مانع جلوه ی حقیقت نیست، و بر این اساس تأکید می کنیم ظهور تامّ ولایت مربوط به آخرین قسمت از باطن نبوت است.

تمامیت جبهه ی سُعداء و اشقیاء

با ظهور آخرین ولیّ خدا که تامّ الولایه است، همه ی ابعاد ولایت و همه ی ابعاد باطنِ نبوت در جمال پرجلال حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظاهر می شود و زمانه به انتهای کمال خود می رسد و از این جهت آخرالزمان به تمام معنی واقع می گردد. چون آخرالزمان یک شروع و یک انتها دارد. شروعش با آخرین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و انتهایش با آخرین ولیّ واقع می شود تا همه ی آنچه غایب است و امکان ظهور دارد در دنیا ظاهر شود. از آن به بعد دنیا، دنیایی است که جنبه ی غیبی آن بر جنبه ی مادی آن غلبه دارد و دروازه های قیامت بر روی بشر گشوده می شود، به همین جهت ظهور حضرت یکی از «اِشْراطُ السّاعه» یعنی شرایط تحقق قیامت است و همان طور که در قیامت کفار از مؤمنین جدا می شوند و ندا می آید: «وَ

۱- کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ج ۱، باب ۲۹، ص ۳۱۶، ح ۲.

امْتازُوا الْیَومَ اَیُّهَا الْمُجرِمونَ»(۱) ای مجرمان از مؤمنان جدا شوید.(۲)

در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تا حدّی عالم به صورتی که آیه ترسیم می کند در می آید و اشقیاء به طور کلی در یک طرف و اصفیاء و سعداء در طرف دیگر و در جبهه ی دیگری هستند و امکان ادامه ی زندگی منافقانه از بین می رود. امام صادق علیه السلام می فرمایند: امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ، همه ی کسانی را که در مقابل شان بودند به قتل نمی رساندند. راوی از امام می پرسد: نمی توانستند؟ می فرمایند: می توانستند. می گوید پس چرا نمی کشتند؟ می فرمایند: چون گنج های پنهان آشکار نشده بود. یعنی در باطن و صُلب این افرادی که مقابل امام بودند، آدم های خوبی بودند که هنوز متولد نشده بودند همچنان که همه ی آدم های شقی هم ظاهر نشده بودند. می فرمایند: فرزندم مهدی است که نه توبه می پذیرد و نه رَحْم می کند. چون کسی که در مقام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است تماماً در کفر به سر می برد و به فرمایش امام صادق علیه السلام همه ی گنج ها ظاهر شده و سُعداء در یک طرف و اشقیاء در طرف دیگر قرار می گیرند.(۳)

حضرت باقر علیه السلام می فرمایند: آن که منتظرش هستید ظاهر نمی شود مگر پس از آن که از همه مأیوس شوید و آن که منتظرش هستید ظاهر نمی شود تا آن که شقی در شقاوتش و سعید در سعادتش تثبیت گردد. «وَ لَا یَکُونُ الَّذِی تَمُدُّونَ إِلَیْهِ

۱- سوره ی یس، آیه ی ۵۹.

۲- حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام تحقق ده چیز را قبل از قیامت برمی شمارند که یکی از آن ها «خروج القائم» است. (بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۰۹)

۳- کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۶۴۲.

أَعْنَاقَكَمْ حَتَّى تُمَحَّصُوا هَيْهَاتَ وَ لَا يَكُونُ الَّذِی تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْنَاقَكَمْ حَتَّى تُمَيَّزُوا وَ لَا يَكُونُ الَّذِی تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْنَاقَكَمْ حَتَّى تُغَرْبَلُوا وَ لَا يَكُونُ الَّذِی تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْنَاقَكُمْ إِلَّا بَعْدَ إِيَاسٍ وَ لَا يَكُونُ الَّذِی تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْنَاقَكُمْ حَتَّى يَشْقَى مَنْ شَقِيَ وَ يَسْعَدَ مَنْ سَعِد».(۱)

آنچه گردن هـای خود را به سویش می کشید و منتظر آن هستید واقع نخواهد شد تا این که پاکسازی شوید و آنچه گردن های خویش را به سوی آن می کشید واقع نمی گردد تا این که باز شناخته و از یک دیگر جدا شوید و آنچه گردن های خود را به سویش می کشید واقع نخواهد شد تا این که غربال شوید و آنچه گردن های خویش را به جانب آن می کشید واقع نخواهد شد مگر پس از نومیدی و آنچه به جانبش گردن های خود را می کشید واقع نخواهد شد تا کسی که اهل شقی است به شقاوت و آن که اهل سعادت است به سعادت رسد.

زمان به انتها می رسد

با توجه به این که ولایت، باطن نبوت است و با ظهور آخرین نبی، آخر الزمان شروع می شود، با ظهور آخرین ولیّ و ظهور تامّ ولایت، حجابی مثل «زمان فانی» که مانع ظهور کامل حقایق است از صحنه خارج می شود(۲)

و مخلوقات از آن جهت که حجاب حق اند در میان نخواهند

۱- الغیبه للنعمانی، ص ۲۰۹.

۲- زمان فانی، همان شرایطی است که انسان را گرفتار گذشته و آینده می کند و او را از حضور در «حال» خارج می کند و در همین رابطه است که امکان ظهور چهره ی کاملی از حقایق در زمان فانی ممکن نیست و همواره وجهی از آن ها نمایان است و بقیه ی وجوه آن ها با گذشت زمان از صحنه بیرون رفته و یا با احاله به آینده هنوز بروز ننموده است.

مانـد و جنبه ی خلقیِ عـالَم به جنبه ی ملکوتی عـالَم تبـدیل می شود، چون شـرایط ظهورِ بـاطنی ترین غیب هـا در میـان اسـت شرایطی که تا تحقق قیامت یک قدم بیشتر فاصله ندارد، قیامتی که قرآن در وصف آن می فرماید: «وَالْاَمرُ یَومَئِذٍ لِلّه»(۱) در آن روز همه چیز در قبضه ی خداوند است و حق به کلی ظاهر گردد و هر گونه حجابی مرتفع شود. آخرالزمان دروازه ی ورود به چنین شـرایطی است و به همین جهت به شـرایطی که در قیـامت واقع می شود بسـیار نزدیـک است. در قیـامت زمانِ گذشـته و آینده به صورتی که در دنیا هست موجود نیست، آن جا «یَوْمَ التَّلاق»(۲)

است و گذشـته و آینده در آن جمع می شوند، آخرالزمان هم تا حدّی از چنین شرایطی برخوردار است. هر اندازه زمانه از دنیا و ظلمت آن فاصـله بگیرد، زمان رقیق تر می شود و گذران که خاصـیت زمان است جای خود را به ثبات و بقاء می دهد، عالَم تـا حـدّی شبیه قلب عرفـا می گردد که فوق گذشـته و آینـده، در «حال» مسـتقر است. صورت کامل چنین قلبی؛ قلب نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که حضرت در توصیف آن فرمودند: «اَلْآنَ قِیامَتِی قَائِم»(۳) هم اکنون قیامت من قائم است.

با ظهور حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف آنقدر عالَم شبیه قیامت می شود که حضـرت با هر قومی با کتاب خودِ آن قوم صحبت می کند همچنان که قرآن در

۱- سوره ی انفطار، آیه ی ۱۹.

۲- سوره ی غافر، آیه ی ۱۵.

۳- سعیدالدین سعید فرغانی، مشارق الدراری، مقدمه ی سیدجلال الدین آشتیانی، ص ۴۰.

وصف قیامت می فرماید: «یَوْمَ نَدْعُو کُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوتِیَ کِتَابَهُ بِیَمِینِهِ فَأُوْلَئِکَ یَقْرَؤُونَ کِتَابَهُمْ وَلاَ یُظْلَمُونَ فَتِیلًا»(۱) قیامت روزی است که هر گروهی را با امامشان فرا می خوانیم پس هر کس کارنامه اش را به یمین او دهند آنان کارنامه خود را می خوانند و به قدر نخک هسته خرمایی به آنها ستم نمی شود. تا این حدّ حق و باطل از هم متمایز می شود.

حالت غیبی آخرالزمان، مقدمه ی انتقال به عالَم غیب قیامت

خداوند در وصف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مطابق لوح حضرت زهرا علیها السلام می فرماید: «عَلَیْهِ کَمَالُ مُوسَی وَ بَهَاءُ عِیسَی وَ صَبْرُ أَیُّوبَ سَیِّدُ أَوْلِیَائِی»(۲) او دارای کمال موسی و درخشش عیسی و صبر ایوب و سرور اولیاء من می باشد. ملاحظه می فرمائید که تمام کمالات معنوی پیامبران خدا در امام مهدی علیه السلام ظاهر می شود. همچنان که خود حضرت چون ظهور کنند می فرمایند:

«یَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ یَنْظُرَ إِلَی آدَمَ وَ شَیْثٍ فَهَا أَنَا ذَا آدَمُ وَ شَیْثٌ أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ یَنْظُرَ إِلَی نُوحٍ وَ وَلَدِهِ سَامٍ فَهَا أَنَا ذَا نُوحٌ وَ سَامٌ أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ یَنْظُرَ إِلَی إِبْرَاهِیمَ وَ إِسْمَاعِیلَ فَهَا أَنَا ذَا إِبْرَاهِیمُ وَ إِسْمَاعِیلُ أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ یَنْظُرَ إِلَی مُوسَی وَ یُوشَعَ فَهَا أَنَا ذَا مُوسَی وَ یُوشَعُ أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ یَنْظُرَ إِلَی عِیسَی

۱- سوره ی إسراء، آیه ی ۷۱.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۵۲۸.

وَ شَمْعُونَ فَهَا أَنَا ذَا عِيسَى وَ شَمْعُونُ أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مُحَمَّدٍ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ«صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا» فَهَا أَنَا ذَا مُحَمَّدٌ صلى الله علیه و آله و سلم وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ».(۱)

ألا ای اهل عالم! هرکس می خواهد آدم و شیث را ببیند بداند که من همان آدم و شیث هستم، هرکس می خواهد نوح و پسرش سام را ببیند بداند که من همان نوح و سام می باشم، هرکس می خواهد ابراهیم و اسماعیل را ببیند بداند که من همان ابراهیم و اسماعیل هستم، هرکس می خواهد موسی و یوشع را ببیند بداند که من همان موسی و یوشع هستم، هرکس می خواهد عیسی و شمعون را ببیند بداند که من همان عیسی و شمعون هستم، هرکس می خواهد محمّد صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام را ببیند بداند که من همان محمّد و علی هستم.

با دقت در این دو روایت متوجه می شویم همه ی ابعاد معنوی و غیبیِ عالم که در هر پیامبری به صورت مجزا هست، همه به شکل جامع و یک جا در آخرالزمان در جمال حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظاهر می شود. حضرت ظرفیت ظهور همه ی کمالات را به تنهایی دارند تا زمینه ی انتقال دنیا به نشئه ی قیامت فراهم شود، نشئه ای که به جهت یوم الحشربودن، ظرفیت جمعِ همه ی کمالات و همه ی انسان ها را یک جا دارد. لذا نباید در مورد خصوصیات آخرالزمان از این موضوع غفلت کرد وگرنه طوری آن را تصور نمی کنیم که بتوان روایات مربوط به آخرالزمان را تصدیق نمود.

ص: ۳۱

۱- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۹.

جهان در حال آمادگیِ جدایی حق از باطل

انسـان ها دارای دو نـوع مرگ هسـتند، یکی مرگ طبیعی و دیگری مرگ غیر طبیعی، در مرگ غیر طبیعی، بـدن طوری ناکارآمد می شود که نفس ناطقه دیگر نمی توانـد آن را تـدبیر کنـد، مثل این که انسان وقتی تصادف سختی بکند و بدن او متلاشی گردد نفسِ ناطقه ی او بـدن او را ترک می کند، در این حالت نفس ناطقه به خودی خود - بدن را مثل مرگ طبیعی ترک نمی کنـد- ولی چون از طریق آن بـدن و به صورت تکوینی نمی تواند به کمال مورد نظرش برسد، بدن را رها می کند. در حالی که در مرگ طبیعی، نفس ناطقه استفاده ی لازم را از بـدن کرده و در نتیجه به طور طبیعی آن را رها می کنـد و به عالم غیب و قیامت منتقل می شود.

در موضوعِ به انتهارسیدن دنیا بایـد بدانیم دنیا مثل بدنی که تصادف می کند، به انتها نمی رسد بلکه شبیه بدنی است که روح به طور طبیعی آن را ترک می کنـد. در مرگ طبیعی نفس ناطقه آرام آرام آنچه بالقوه دارد را به فعلیت در می آورد - چه در جنبه ی انسانی و چه در جنبه ی حیوانی- و در نهایت بـدن را ترک می کنـد. بر این اساس می توان گفت مرگ عبارت است از شرایطی که جنبه های غیبی انسان بر جنبه های جسمی و مادی او غلبه می کند و انسان بیشتر جنس غیب و قیامت می شود و پس از آن به عالم قیامت سیر می کنـد. در مورد دنیا و سیر آن به سوی قیامت نیز می توان همین شرایط را در نظر گرفت که دنیا با ظهور و غلبه ی جنبه های غیبی، آماده ی قیامتی شدن می گردد.

ص: ۳۲

از آن جایی که در مرگ طبیعی، یا جنبه ی حیوانیت انسان ها کامل می شود و یا جنبه ی انسانیت آن ها. در آخر الزمان نیز «اَسْعَدُ السُّعَداء وَ اَشْقَی الْاَشْقِیاء» هر دو ظهور می کنند و رو در روی هم می ایستند و هرکدام از افراد با جنبه ی به تکامل رسیده ی خود، در انسانیت و یا در حیوانیت در صحنه اند به طوری که بدترین آدم ها، و بهترین آدم ها به صحنه می آیند؛ به همین دلیل عده ای که در زندگی خود فرصت ظهور شخصیت خود را نداشته اند تا چهره ی نهایی خود را آشکار کنند و مایلند آن چهره را بنمایانند اجازه ی رجعت دارند، عده ای مأمور می شوند بر سر قبر مؤمنین بروند و به آن ها بگویند: «یَا هَذَا إِنَّهُ قَدْ ظَهَرَ صَاحِبُکَ فَإِنْ تَشَأْ أَنْ تَلْحَقَ بِهِ فَالْحَقْ وَ إِنْ تَشَأْ أَنْ تقم فِی کَرَامَهِ رَبِّکَ فَقُم»(۱) ای فلانی! امام و صاحب تو ظهور کرده اگر می خواهی به او ملحق شوی، ملحق شو و اگر می خواهی نزد کرامتِ پروردگارت اقامت کنی، چنین کن. در روایت داریم که حضرت صادق علیه السلام می فرمایند: «إِنَّ الرَّجْعَهَ لَیْسَتْ بِعَامَّهٍ وَ هِیَ خَاصَّهٌ لَا یَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِیمَانَ مَحْضاً أَوْ مَحَضَ الشِّرْکَ مَحْضا»(۲) رجعت عمومی نیست بلکه افراد خاصی به دنیا برمی گردند که یا مؤمن خالص و یا مشرک محض باشند. پس ملاحظه می فرمایید که هم در بین اشقیاء و هم در بین سعداء رجعت هست. به این معنی شاید بتوان گفت هم هیتلر برمی گردد چون متفقین مانع شدند تا همه ی نقشه هایش را عملی کند و هم امام خمینی«رضوان الله علیه» بنیانگذار انقلاب اسلامی برمی گردند تا دعای

۱- الخرائج و الجرائح، قطب راوندی، ج ۳، ص ۱۱۶۶.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۹.

مردمی که می گفتند «خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه دار» مستجاب شود. امام خمینی«رضوان الله علیه» در یک جا می فرمایند حیف که این انقلاب ۱۴ سال عقب افتاد! از این جمله معلوم است که خیلی حرف داشتند و حقایقی بر قلب ایشان متجلی شده بود که امکان ظهور نیافت.

یقینِ مردم آخرالزمان

از آن جایی که همه ی کمالات معنوی که در هر پیامبری بنا به شرایط زمان خودش، تا حدی ظهور کرده، در آخرالزمان و در امام مهدی علیه السلام ظهور می کند، پس باید مردمی در میدان باشند که ظرفیت فهم و درک و ارتباط با آن کمالات را داشته باشند و خودشان در آن وادی قدم زده باشند. به همین جهت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: یا علی! بدان شگفت انگیزترین مردم از نظر ایمان و بلند مرتبه ترین آن ها در یقین، مردمی هستند که در آخرالزمان می آیند؛ پیامبر را ندیده اند و حجّت خدا هم از دیده ی ایشان پنهان است اما فقط از طریق نوشته هایی که به دستشان رسیده ایمان آورده اند. حضرت سجاد علیه السلام در وصف منتظران امام دوازدهم علیه السلام می فرمایند: «إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلُونَ بِإِمَامَتِهِ الْمُنْتَظِرُونَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذِكْرُهُ أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَام وَ الْمَعْرِفَهِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَهُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَهِ الْمُشَاهَدَهِ وَ جَعَلَهُمْ فِی ذَلِکَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَهِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَیْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم بِالسَّيْفِ أُولَئِکَ الْمُخْلَصُونَ حَقّاً وَ شِيعَتُنَا صِدْقاً وَ الدُّعَاهُ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرّاً وَ جَهْراً وَ قَالَ علیه السلام انْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنْ أَعْظَمِ

الْفَرَج»(۱) آن هایی که در زمان غیبت او قائل به امامت او و منتظر ظهور اوینـد، برترین مردم همه ی زمان هایند، چون خداوند به آن هـا شـعور و فهمی می دهـد که غیبت او نزد آن هـا هماننـد مشاهـده ی اوست و خداونـد این هـا را در آن زمـان همانند مجاهـدان در کنـار رسول الله صـلی الله علیه و آله و سـلم قرار می دهـد، این هـا مخلصان حقیقی و شـیعیان راستین ما و دعوت گران به سوی دین خـدا در نهـان و آشـکار هسـتند. به این دلیـل منتظران حضـرت بایـد بهترین آدم ها باشـند چون آخرالزمان شرایطی است که بایـد به آن شـرایطِ متعالی صـعود کرد و به تعبیر روایت «الْغَیْبَهُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَهِ الْمُشَاهَدَهِ»(۲) غیبت نزد آن ها هماننـد مشاهده است. همین طور که وقتی شـما فهمیدید این جهان بدون حضور نبی و نبوت معنا نمی دهد و با توجه به یقینی که به وجود پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم داریـد به سـیره و سـخن او می نگرید و عمل می کنید و جلو می روید، به ظهور نهایی حضـرت نیز همین طور می نگرید و امیدوارانه زندگی می کنید. به این جهت حضـرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: مردم آخرالزمان در بلندترین مرتبه از یقین هستند چون متوجه اند حتماً این جهان به ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف خواهـد رسـید، و لـذا طول انتظار، مسـئله ی امیـد به ظهور حجت حق را برای آن ها منتفی نمی کنـد. در همین رابطه حضرت سجاد علیه السلام در قسمت آخر روایت فرمودند: انتظار فرج از بالاترین فرج ها و گشایش ها است. چون روح انسان را آنچنان گسترش می دهد که همه ی کمالات در او شکوفا می گردد.

۱- بحارالأنوار، ج ۵۲، ص۱۲۲.

۲- بحارالأنوار،ج ۵۲، ص ۱۲۲.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: «إِنَّ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام إِمَامُ أُمَّتِی وَ خَلِیفَتِی عَلَیْهَا بَعْدِی وَ مِنْ وُلْدِهِ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الَّذِی یَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطاً کَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً وَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالْحَقِّ بَشِیراً إِنَّ الثَّابِتِینَ عَلَی الْقَوْلِ فِی زَمَانِ غَیْبَتِهِ لَأَعَزُّ مِنَ الْکِبْرِیتِ الْأَحْمَر»(۱) علی بن ابی طالب امام امت من و جانشین من بر آن ها می باشد، قائم منتظَر از فرزندان اوست که زمین را پس از ظلم و جور از عدل و داد پر خواهد کرد، به خداوندی که مرا براستی برانگیخت معتقدینِ به امامتِ وی در زمان غیبتش از کبریت احمر گران بهاتر هستند. می فرماید کسانی که در دوره ی غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف براعتقاد به او استوار هستند، از کبریت احمر نایاب تر و ارزشمندترند. به این معنی که منتظران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بسیار بلندمرتبه هستند چون کسانی که با سنت های جاری در عالم مرتبط باشند، می فهمند همان طور که این جهان بی پیامبر نمی شود بی امام زمان هم نمی شود؛ زیرا ولایت الهی مظهر می طلبد و در نتیجه نظر می کنند و مظهر آن ولایت را می یابند و در این مسیر هر اندازه حجاب های عقل و قلبِ خود را بهتر کنار بزنند بهتر او را حسّ می کنند و با حقیقت وجود او راحت تر اُنس می گیرند.

ابتدا باید با تمام وجود به این نکته رسید که هم اکنون ولیّ اللهِ مطلق علیه السلام در مقام خود حاضر است، با عقل می توان متوجه وجود حضرت شد و با آمادگی قلبی می توان از دستگیری های آن حضرت بهره مند گشت و طالب ظهور کامل آن حضرت در همه ی عالم شد تا موعودِ موجودِ ما بر

۱- إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۲۴.

کون و مکـان ظهور یابنـد و دیگر موانعی که برای سـایر ائمه علیهم السـلام بود و امکان ظهور کامل حقیقت آن ها را نمی داد برطرف شود. چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از همان ابتدا می دانستند زمانه ظرفیت ظهور حقایق اسلام را ندارد و دوازدهمین امام پس از غیبتِ طولانی ظهور می کند، خبر غیبت طولانی حضرت را دادند.

خطر انکار!

وظیفه ی هر انسـانی است تـا تلاـش کنـد مقام امام را بشـناسد وگرنه با تصورات غلطی که نسـبت به امام پیـدا می کنـد، منکر وجود حضرت می شود. منکران وجود امام تصورشان آن است که لازمه ی وجود امام آن است که آن حضرت در جلو آن ها باشـند و ایشان را ببینند. این ها مقام حضـرت را نمی شناسـند و متوجه نیسـتند در آخرالزمان علاوه بر بدن، مقام حضرت است که ظهور می کند و عالم ظرفیت ظهور روحانیت امام را می یابد.

باید به این شـعور رسـید که جهان یک باطن مبارکی دارد که اگر امکان ظهور آن فراهم شود حضـرت ظهور می کنند، همین طور که تن شـما بـاطنی به نـام «من» دارد و اگر سـالم بود اراده هـای شـما در تن ظهور می کنـد. جهـان نیز باطنی موجود ولی غـایب دارد و هرچه به آخرالزمـان نزدیـک شویم زمینه ی ظهور آن بـاطن فراهم تر می شود. به همین جهت ملاحظه می کنید که آخرالزمان جمع اضداد است و همین شرایط موجب ظهور حضرت می گردد، چون از یک طرف حجاب های ظلمانی همه جا را فرا می گیرد و

ص: ۳۷

از طرف دیگر روح هـایی در میـدان می آینـد که آمـادگی عبور از آن همه حجاب را در خود پرورانـده انـد و زمینه ی اقـدام حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در خود فراهم نموده اند و نشان داده اند دیگر هیچ دجّالی یارای فریب آن ها و تنهاگذاشـتن امام را نـدارد. این است راز ظهور مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف که از طرفی آدم ها آن چنان محجوب می شونـد که به تمام کفر گرفتار می گردنـد و از طرف دیگر در دل این کفر روح هایی ظهور می کنـد که توان عبور از همه ی چهره های کفر را در خود پرورانـده انـد و برای عبورِ هرچه بیشتر از ظلمات کفر خود را نیازمنـد امامی می دانند که رهبری این حرکت بزرگ جهانی را به عهده گیرد و با چنین انتظاری از ظلمات زمانه فاصله می گیرند و به نور نزدیک می شوند. در رابطه با چنین روحیه و آمادگی است که حضرت باقر علیه السلام می فرمایند: «مَا ضَرَّ مَنْ مَاتَ مُنْتَظِراً لِاَمْرِنَا اِلَّا یَمُوتَ فِی وَسَطِ فُسْطاطِ الْمهدی و عَسْکَرِهِ»(۱) ضرر نکرده کسی که در حال انتظارِ امر ما رحلت کرده، از این که میان خیمه ی مهدی و لشکر او نمرده است. چـون در طـول زنـدگی، افق خود را در شـرایط ظهور آن حضـرت قرار داده است. همین که ملاحظه می کنید عده ای می فهمند امام زمان یعنی چه، زمینه ظهورِ هر روز، بیشتر از روز پیش فراهم می شود.

هرچه کفر و حجاب ظلمانی بیشتر می شود ضـرورت وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف جهت رفع آن بیشتر معلوم می گردد و این که جهت رفع این ظلمات بایـد با جـدّیت کامل نظرها را به حضـرت انداخت تا وقتی امام می آیند بتوان معنی راهنمایی هایشان را فهمید و جایگاه آن هایی را که

۱- الکافی، ج ۱، ص ۳۷۲.

روبه روی ظهور عمیق ترین حقایق عالم می ایستند درست تشخیص داد. کسی که آمادگی ارتباط با غیب را ندارد و گرفتار کثرات زمانه شده، با ظهور حضرت به قدری احساس بیگانگی می کند که ناخودآگاه به دعوت دشمنان حضرت لبیک می گوید که نمونه ی آن را با ظهور حاکمیت فقیه ملاحظه کردید.

ما در زمانه ی خود متوجه شدیم در عین آن که بعضی ها به کلی نمی توانند بفهمند ولایت فقیه یعنی چه، برعکس، عده ای به خوبی جایگاه ولایت فقیه را در این دوران فهمیدند. شاید صد سال پیش بسیاری از مردم عادی ضرورت ظهور ولایت فقیه را نمی فهمیدند، چون ظلمات فرهنگ غربی به عنوان ظلمات آخرالزمان، چهره ی خود را نمایان نکرده بود ولی هرچه زمان گذشت زمینه ی رشد استعداد فهم ضرورت ولایت فقیه بیشتر پیدا شد و مردم متوجه شدند در این شرایط فقط دین می تواند نجات دهنده باشد و مردم را در مسیر تعالی فطری جلو ببرد. شرایط طوری شده که از یک طرف فرزانگان به خوبی ولایت فقیه را می پذیرند و از طرف دیگر عده ای با تمام وجود به مقابله با آن برخاسته اند تا زندگی حیوانی خود را ادامه دهند و این نشانه ی آن است که زمانه محل ظهور جمع اضداد شده و بستری فراهم گشته که در آینده جبهه های حق و باطل هر روز بهتر از قبل از یکدیگر جدا گردند.

ص: ۳۹

راز ادامه ی غیبت

با توجه به رویکرد هر چه مادی تر شدن جهانِ موجود، کسی که منتظر تجلی کامل انوار غیب است حتماً به وضع موجود «نه» می گوید. انسانِ منتظر آنقدر بصیرت دارد که تکنیک و نظم و بهداشتِ فرهنگ غربی حجاب او نگردد و متوجه است رویکرد فرهنگ غربی به حجاب بردن عالم غیب است و نتیجه ی چنین فرهنگی آن است که باطنی ترین حقیقتِ غیبی یعنی حضرت صاحب الأمر عجل الله تعالی فرجه الشریف در غیبت می ماند، چون قداست ها از معنی فرو افتاده و این ظلمانی ترین حادثه ی تاریخ است که با شناخت آن، اولین قدمِ رجوع به امامت واقع خواهد شد. ولی اگر در عین رعایت آداب دینی نتوانیم به فرهنگ غربی «نه» بگوییم هرگز امکان رجوعِ به امامی که مقام او غیبی ترین مقام ها است، برایمان پیش نمی آید تا آن جا که ممکن است در اردوگاهی قرار بگیریم که آن اردوگاه مقابل حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف است، همچنان که بعضی از مقدس مآب ها با حضرت روح الله«رضوان الله علیه» به مقابله ایستادند و اصالت را به فرهنگ غربی دادند.(۱)

انسان منتظر از یک طرف باید معنی ظهور حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخر الزمان را بشناسد و بفهمد در آن شرایط چه چیزی ظهور می کند و چگونه زمانه امکان ارتباط با باطنی ترین بُعد هستی را پیدا می نماید و از طرف دیگر بفهمد ظلمات آخرالزمان چگونه و با چه هویتی می تواند انسان را از ارتباط با آن حقیقتِ غیبی محروم و به خود مشغول کند. به عبارت دیگر انسان

۱- سخن امام خمینی«رضوان الله علیه» این است که: «خطر تحجرگرایان و مقدس نمایانِ احمق در حوزه های علمیه کم نیست». (صحیفه ی امام، ج ۲۱، ص ۲۷۸)

منتظر بایـد وضع موجود و وضع مطلوب را عمیقاً بشـناسد تا بتواند درست عمل کند و دنیای مدرن را با نگاه عبرت بنگرد و نه بـا نگاه حسـرت. بایـد روشن شود چون ما از حضور در محضـر حقایق غیبی چشم برداشتیم مظهر عمیق ترین ابعاد غیبی، غیبت خود را ادامه می دهد و تا چشم ها و نگاه ها و قلب ها خود را در محضـر عالم غیب نبرد حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشـریف به ظهور نمی آیند. بسـیار ضـرورت دارد تا حضـرت با آن شخصـیت قدسی در عالَم ظهور کنند و لذا باید عالَم خود را به مرتبه ای سـیر دهیم که امکـان ظهور آن حقیقت غیبی فراهم شود، زیرا بنـا نیست بـا ظهور آن حضـرت دوباره همان شرایطی تکرار شود که پدران او با آن روبه رو بودند.

دنیـایی که غیب را نمی شـناسد هرگز جایگـاه قـداست هـا را نخواهـد شـناخت تا روبه سوی آن عالم کنـد و شخصـیت علمی حضرت امام خمینی«رضوان الله علیه» را زمینه ساز ظهور ولایت حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیابد، آن قـدر گرفتار حجاب ظلمات دوران و غلبه ی آن بر امور می باشـد که منتظر است حضـرت روح الله«رضوان الله علیه» به موزه ی تاریـخ سپرده شود. این ها گرفتار روح شـیطانیِ دجّالی هسـتند که با یک چشم همه چیز را می بینـد، همان طور که دجّال یک چشم دارد و بدون توجه به ابعاد غیبی عالم، یک بُعد از ابعاد عالم را می نگرد.(۱)

مسلّم کسی که کاستی ها و نقص های دجّال را نشناسد گرفتار او می شود و از شرایط ظهور غیب چیزی درک نمی کند

۱- رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سلم در رابطه با دجّال می فرمایند: «أَنَّهُ خَارِجٌ فِیکُمُ الْأَعْوَرُ الدَّجَّالُ وَ أَنَّ مَعَهُ جِبَالًا مِنْ خُبْزٍ تسـیر مَعَهُ الی غیر ذلِکَ» بیرون خواهد آمد در میان شما دجّالِ یک چشم و کوهی از غذا در همه جا با وی است.(کشف الغمه فی معرفه الأئمه، ج ۲، ص ۴۹۱)

و در این زمـان، اصالت را به فرهنگ غرب می دهـد، غافل از این که نور غیبیِ ولایتِ تامّه در حال ظهور است تا همه ی غرب را به موزه بسپارد. این است تفـاوت اساسـی انسـان منتظر بـا انسـانی که از فرهنگ انتظار بیرون است و هرگز به انتظاری که به خودی خود فرج است دست نمی یابد.

چگونگی رهایی از دجّال

«نه»گفتن به وضع موجود، وقتی ممکن است که اولاًـ: جایگـاه تـاریخی وضع موجود را نسـبت به ظهور باطنی ترین بُعـد هستی بشناسـیم. ثانیاً: نسبت به جایگاه تاریخی وضع مطلوب، خود آگاهی کامل داشته باشیم و تحقق آن را با تمام وجود حس کنیم تا آن حدّ که به تعبیر امام صادق علیه السـلام: «کَمَنْ کَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِی فُسْـطَاطِه»(۱) مانند کسـی باشیم که در جبهه ی حضرت قـائم عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف با آن حضـرت به سـر می برد. در این صورت است که گرفتار فریب های دوران نخواهید شـد. مگر جز این است که دجّال غیب را پنهان می کنـد و ما را به ظواهر عالِم محسوس مشـغول می نمایـد؟ پس اگر کسـی با حقایق غیبی آشـنا باشد چگونه فریب پیشـنهادهای یک بُعدی او را می خورد؟ و معنی شـناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نه تنها به معنی توجه به حقایق غیبی بلکه به معنی شناخت باطنی ترین ابعاد غیب می باشد و تنها از این طریق می توان از تردستی هـای دجّـال رها شـد و متوجه گشت دنیای موجود با همه ی جـذابیت هایش به انـدازه ی تریِ عطسه ی بزی ارزش نخواهد داشت و این شروع مبارکی است که با شناخت وضع موجود و حجابی که

ص: ۴۲

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۱.

نسبت به غیب پدید آورده کلید می خورد و تعجب می کنیم چگونه بعضـی ها ولایت کفر را به رسمیت می شناسند و از نظام وِلایـی که ولایـت الهی را محقق می کنـد گریزاننـد. نظـام ولایـی، نظامی است که در آن نقش غیبِ عالم در همه ی روابط و ارزش ها غلبه دارد و همه ی نظرها به غیب است، ابزارهای دنیا در حـدی ارزش دارنـد که حجاب عالم غیب نشوند و محبوب غایبِ ما را در غیب نگه ندارند.

با توجه به جنبه ی ظلمانی جهان امروز وظیفه ی ما است که تلاش کنیم ذات فرهنگِ به اصـطلاح مـدرن شـناخته شود زیرا آن فرهنگ حجاب ظهور حضـرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این به آن معنی نیست که از فردا به ابزارهای دنیـای مـدرن پشت کنیم، اصـلاً این کار در حال حاضـر شـدنی نیست، عمـده آن است که متوجه باشـیم فرهنگی که در باطنِ تکنیـک غربی نهفته است فرهنـگ انقطاع از عالم قـدس و معنویت است و غیب عالم را در حجاب می برد و بشـر را از حضور در عـالم غیب محروم می کنـد. اگر از این نکته غافـل شویم به جای اسـتفاده از تکنولوژی غربی، مسـحور تکنیک می شویم و نظرهایمان از وضع مطلوب برداشـته می شود. این یک قاعده است که اگر انسان کفر را که حجاب حقیقت است نبیند، کفر او را اشغال می کند و این است معنی شناخت انحراف های وضع موجود.

طلوع بصیرت

نور قرآن به جـدّ مـا را متوجه حجـاب هـای دنیای مـدرن می کنـد، قرآن آمـده است که به ما نشان بدهـد کفر، حجاب حق و حقیقت است. مگر

می شود

کفر را نشناسید و به ایمان رجوع کنید؟ وقتی کفر شناخته شد و معلوم شد چگونه حجابِ حقیقت می شود و وقتی وضع مطلوب را درست تصور کردیم بصیرت واقعی طلوع می کند.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: هرچه این امر، یعنی زمان غیبت، نزدیک تر شود، تقیّه شدید تر می گردد. زیرا آن چنان حق در حجاب می رود که شما نمی توانید آن را اظهار کنید. تقیّه فقط این نیست که برای حفظ جان خود و دیگران عقاید خود را اظهار نکنید بلکه اگر ملاحظه کردید جامعه حرفِ حق شما را نمی فهمد، باید از اظهار آن خودداری نمائید. حضرت در آن روایت می فرمایند هرچه به زمانِ غیبت نزدیک تر می شویم آن چنان غفلت از غیب برعالم حاکم می شود و کثرات همه ی توجه ها را به خود جلب می کند که مؤمنین چاره ای جز تقیّه ندارند. در این صورت بیشتر باید منتظر فرجی بود که به کمک آن چشم دل انسان ها گشوده می شود و در همین رابطه حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف به محمد بن عثمان توصیه می فرمایند: «وَ أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُم»(۱) برای تعجیل فرج، بسیار دعا کنید که فرجِ شما در آن است. با توجه به این امر باید دعا کرد مردم متوجه عالَمی شوند که آن عالَم فقط با ظهور حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق می شود.(۲)

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۹۲.

۲- در دعای شریف ندبه از یک طرف متوجه حقیقت بزرگی می شویم که غایب است و زمانه هنوز امکان درک آن مقام را ندارد، از طرف دیگر سخت مشتاق حضور آن حضرت هستیم. در چنین شرایطی به دعا برمی خیزیم تا به مدد الهی دل ها آماده ی توجه به نور حضرت شوند و فرج نهایی محقق گردد. روشی که در دعای ندبه به ما آموزش داده اند عالی ترین روش عملیِ تحقق ظهور حضرت صاحب الأمر عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

باید مردم توان فهم جایگاه امام را داشته باشند و بدانند مطلوب آن ها چیزی است که بدون حاکمیت امام معصوم محقق نمی شود. این که فرمودند: فرج شما در این است که جهت تعجیل فرج، دعا کنید برای این است که در فرج الهی شعوری پیدا می شود که مردم می تواننـد امام را درک کننـد و چون هم اکنون امام، حیّ و حاضرند باید بتوانیم از نور ولایت آن حضرت در دوره ی غیبت شان در امر تعجیل فرج استفاده کنیم. چون حضرت هم اکنون هستند و آماده اند به زندگی ها روشنی ببخشند تا شایستگی حضور در محضر امام برای جامعه حاصل شود و حضرت ظهور کنند و مردم بتوانند با باطنی ترین بُعد هستی مرتبط شوند.

شرایط اُنس با عالَم غیب

در راستای فهم مقام امام می توان به آینده امیدوار بود و شرایط طوری شده که اگر یک طرف ظلمات محض است، طرف دیگر خبر از طلوع نور می دهد. در حال حاضر زمانه تا حدّی زمینه ی فهم ولایت فقیه را پیدا کرده به طوری که منکرین ولایت فقیه هم می فهمند ولایت فقیه یعنی چه و مجبور شده اند در مورد آن فکر کنند چون موضوعی است که اندیشه ی اندیشمندان را مخاطب خود قرار داده و نه سیاستمداران را.

در مورد موضوع مهدویت و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز موضوع از همین قرار است که اندیشه ها را مخاطب خود قرار داده و بحث ظهورِ باطنی ترین

بُعد هستی جهت مدیریت جهان در میان است تا همه ی ابعاد بشر به سوی کمال خود هدایت شوند. از تئوریسین های تمدن جدید بپرسید کدام بُعد از ابعاد بشر را شما در این تمدن جواب می دهید؟ آیا این ها جز به ارضای امیال نفس اماره مثل شهوت و شکم و غضب پرداخته اند؟ وقتی یک مکتب اندیشه ی انسان ها را مورد خطاب قرار داد، آن مکتب صاحب آینده است. دیگر نباید گفت تعداد ما شیعیان کم است. این حرف، حرفِ منتظران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست. باید ملاحظه شود آیا سخن رقیب شما منطقی است یا نه؟ اگر ۳۱۳ نفر انسان پیدا بشوند که به واقع منطق شان را بتوانند با امام معصوم تطبیق بدهند و امام را بفهمند، امام ظهور می کند.

اگر روحِ زمانه، توان فهم جایگاه حضرت ولیّ الله را داشته باشد و بتواند نظر به ابعاد غیبی عالم بکند، حضرت ظهور می کنند. ظهور امام مشروط به فهم و درک مقام امام است که در موطن غیب مستقر می باشد. وقتی اندیشه ها طوری رشد کرد که آن حقیقتِ غیبی زمینه ی ظهور پیدا کرد همه ی عالم تسلیم اراده ی او هستند، همان طور که دست من تسلیم اراده ی نفس ناطقه ی من می باشد. در این شرایط کم و زیادبودن افراد ملاک نیست، عمده چنین ظهوری است که همه ی تاریخ منتظر آن بوده و در زمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام نیز محقق نشد. آن شرایط، عالی ترین شرایط برای زمین و زندگی زمینی است. دیگر این سؤالات که چند سال حضرت بعد از ظهور زنده اند؟ سؤالی نیست که اندیشه را بپروراند.

مهم این است که بفهمیم از طریق امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف عالم غیب ظهورِ خاصی در این جهان پیدا می کند که منجر به بلوغ همه چیز می شود. فهم

چنین شرایطی همین حالا هم ما را در زمره ی حاضران در اردوگاه حضرت قرار می دهد. بعضی از سؤال ها، سؤال های کسی است که می خواهد با قضیه ساده برخورد کند. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلامی فرمایند: «لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ لَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ ذَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَ اصْطَلَحَتِ السِّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ وَ الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى نَبَاتٍ وَ عَلَى رَأْسِهَا زَنْبِيلُهَا لَا يُهَيِّجُهَا سَبُعٌ وَ لَا تَخَافُهُ»(۱) اگر قائم ظهور کند آسمان بارانش را بباراند و زمین گیاهش را برویاند و کینه و دشمنی از دل بندگان برود و گرگ و میش با هم آشتی کنند تا آنجا که زنی از عراق به شام رود و جز بر روی گیاه گام ننهد و سبدش بر سرش باشد و درنده به او آزار نرساند و از آن نترسد.

این روایت شریف خبر از آن می دهد که مقام عالم، مقام صلح می شود. اما فرهنگ انتظار به مسئله ای بالاتر اشاره دارد که عبارت از شرایط تجلی حقایق غیب در پرتو وجود مقدس حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. مهم توجه و ارتباط با چنین شرایطی است، همین طور که اگر شما خدا را به واقع شناختید دیگر به مطلوب خود رسیده اید و معنی نمی دهد بگوئید چند سال باید خدا را بشناسم. وقتی به آن شناخت دست یافتید به مطلوب خود رسیده اید- چه امروز بمیرید، چه صد سال دیگر- در هر حال حق را در منظر خود دارید و حضرت حق همواره برای جان شما ظهور دارد. وقتی در پرتو نور امام معصوم عجل الله تعالی فرجه الشریف جهان به بلوغ خود رسید بشریت به

ص: ۴۷

۱- تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، ص ۱۱۵.

مطلوب خود خواهد رسید. دیگر نباید نگران باشد که چند سال در آن شرایط با امام زندگی می کند؛ چون با ظهور ولایت تامّه، عالم از نظر وجودی، غرق نعمت می شود و منتظران وارد چنین عالَمی می گردند. همان طور که با بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن هایی که به دنبال دین بودند نجات پیدا کردند در حالی که بقیه یا با دینِ تحریف شده یهودیت و مسیحیت زندگی می کردند و یا گرفتار ظلمات بی دینیِ جاهلیت بودند. اسلام که آمد همه چیز برای آن هایی که به دنبال دین بودند روشن شد، دیگر فرق نمی کرد یک ماه مسلمان باشند و بمیرند یا یک قرن. حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف که ظهور کنند باطنی ترین حقیقت غیبی هستی ظهور کرده و بشریت به همه چیز رسیده، در آن حالت بَعد و بَعد مطرح نیست تا سؤال شود پایان آن ماجرا چه موقعی است.

هر که او ماهی نباشد، جوید او پایان آب

هر که او ماهی بود کی فکرت پایان کند

همه در عالَم اُنس با آن نور قرار می گیرند، زمانِ دنیایی و زمان فنا به آخر می رسد و زمان دیگری که زمان بقاء است و بَعد و بَعد در آن مطرح نیست شروع می شود. آن کس که این را بفهمد و منتظر چنین شرایطی باشد عملاً دل خود را به آن عالَم برده و در آن شرایط زندگی می کند و اگر با چنین عالَمی بمیرد همانند کسی است که با حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف زندگی کرده است. عمده مطلب معرفتِ حضوری به آن شرایطی است که حضرت ظهور می کنند و باطنی ترین بُعد هستی به صحنه می آید. حال از خود بپرسید آیا امام نازل می شوند در حدّ مردم، یا مردم صعود می کنند در حدّی که منور به تجلی نور امام می گردند؟ برای جواب به این

سؤال خوب است بحثی که گذشت را با دقت بیشتری بازخوانی کنیم تا بتوانیم موضوع را ادامه دهیم.

شرح فرازهایی از مبحث قبل

۱- روشن شد «ولایت» باطن نبوت است و از آن جهت که حضرت علی علیه السلام مظهر ولایت است با همه ی پیامبران بوده است، همان طور که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «عَلِیٌّ نَفْسی»(۱) علی نفس و جان من است ، و در جریان مباهله هم که خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دستور دادند: «فَقُلْ تَعالَوا نَدْعُ اَبنائَنا وَ اَبْنائَکُم وَ نِسائَناوَ نِسائَکُم وَ اَنْفُسَنا وَ اَنْفُسَکم...» بگو: ما فرزندان خود را می آوریم و شما هم فرزندان خود را بیاورید و ما زنان خود را می آوریم و شما هم زنان خود را بیاورید، ما نَفْس ها و جان های خود را می آوریم و شما هم جان های خود را بیاورید». پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به جای «اَنْفُس» یعنی جان خود، امیرالمؤمنین علیه السلام را آورند. خودِ امیرالمؤمنین علیه السلام نیز می فرمایند: «کُنْتُ وَلِیاً وَ آدَمُ بَیْنَ الماءِ وَ الطّین»(۲) من ولیّ بودم و آدم بین آب و گل بود. یا این که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: «خَلَقَ اللهُ روحیِ وَ روحَ عَلِیّ بن ابیطالب قَبْلَ اَنْ یَخْلُقَ الْخَلقَ بِاَلْفِی عامٍ»(۳)

خداوند روح من و روح علی را دو هزار سال قبل از خلقت خلق، آفرید. یعنی آن ذوات مقدس قبل از ظهور عالم در باطن عالم موجود بودند، منتها یکی به

۱- الأربعون حدیثا، شهید اول، ص ۷۳.

۲- جامع الاسرار، سید حیدر آملی، ص ۳۸۲.

۳- همان

عنوان نبیّ و دیگری به عنوان ولیّ. یا این که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: «بُعِثَ عَلِیٌّ مَعَ کُلِّ نَبِیٍّ سِرّاً وَ مَعِیَ جَهْراً »(۱) علی با هر پیامبری به صورت سرّی بود امّا با من به حالت آشکارا برانگیخته شد. چون با ظهور آخرین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که ظهور سرّ و باطن همه ی انبیاء است، زمینه ی ظهورِ سرّ بقیه ی انبیاء نیز فراهم می شود تا آن باطن از طریق ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به ظهور تامّ خود به صحنه آید و اول به آخر سیر کند و همان طور که امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: «أَنَا الْأَوَّلُ وَ أَنَا الْآخِرُ وَ أَنَا الْبَاطِنُ وَ أَنَا الظَّاهِرُ وَ أَنَا بِکُلِّ شَیْ ءٍ عَلِیمٌ»(۲) من اول و آخر و باطن و ظاهر هستم و به هر چیز آگاه هستم. این مطلب در قاعده ی فلسفیِ «اَلنَّهایات هِی الرّجوعُ اِلَی البدایات» مطرح شد به طوری که آنچه در آخر در عالمِ عین ظاهر می شود، برگشت به حقیقت غیبیِ خودش دارد که در ابتدا بوده و نیز روشن شد غیبی ترین حقایق عالم، مقام ولایت تامّه است که در آخرالزمان این حقیقتِ غیبی تحت عنوان دوران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و به نور آن حضرت ظاهر می شود و حضرت حامل آن حقیقت اند و ولایت الهی را در تمام ابعادش ظاهر و حاکم می کنند.

از آن جایی که این موضوع یک موضوع عقلی و معرفتی است، اندیشمندان دنیا زمینه دارند که به آن توجه کنند به خصوص به آن زیبایی که در شیعه مطرح است و برای آن مصداق تعیین کرده است، به طوری که پروفسور کربن استاد دین شناسی دانشگاه سوربن می گوید: به عقیده ی

۱- همان

۲- بحارالأنوار، ج ۳۹، ص ۳۴۷.

من تشیع تنها مذهبی است که رابطه ی هدایت الهی را میان خدا و خلق برای همیشه نگه داشته است و به استمرار ولایت اعتقاد دارد ... تنها مذهب تشیع است که می گوید: نبوت، با رحلت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ختم شد، اما ولایت که همان رابطه ی هدایت و تکمیل است، پس از رحلت آن حضرت هم چنان باقی است. مهدی، حقیقتی زنده است که هرگز نظریه های علمی نمی توانند او را از خرافات بشمارند و او را از فهرستِ حقایق حذف کنند.(۱)

شیعه با بحث امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و موضوع مهدویت، حقانیت خود را به جهان ثابت می کند. بشر از خود خواهد پرسید مگر می شود جهان در نهایت به ظهوری کامل از حقیقت دست نیابد و مگر می شود آن حقیقت هم اکنون بالفعل موجود نباشد تا موجب جذب عالم به سوی آن انتهای معنوی گردد؟(۲)

۲- نکته ی دیگری که باید از مباحث گذشته روشن شده باشد فعّال بودن عقیده ای است که متوجه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. انسانِ معتقد به ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به فردایی می اندیشد که امروزش سخت به آن مربوط است و در نتیجه همین امروز در فرج است و ماوراء سایه ی سیاه زمانه زندگی می کند و زندگی خود را بزرگ تر از محدوده ی امروز تعیین کرده و با عقیده ای بزرگ به زندگی ادامه می دهد. توجه به این که در متن

۱- تشیع و انتظار، محمدتقی خلجی، ص۱۲۰ ، چاپ پنجم، نشر پیام اسلام، قم ۱۳۸۱.
۲- این نکته تحت عنوان «غایتِ مفقود، محال است» در فلسفه مورد بحث قرار می گیرد و در کتاب «مبانی معرفتی مهدویت» بحث شده است.

هستی، چنین حقیقتی هم اکنون موجود است و در حال ظهور می باشد انسان را به سوی ابعاد غیبی عالم سوق می دهد و گستردگی زندگی معنی پیدا می کند.

۳- روشن شد در آخرالزمان جبهه های حق و باطل به صورتی پررنگ تر از گذشته ظاهر می شوند، جبهه ای که یک طرف آن توحید خالص است با حضور همه ی موحدان تاریخ، حتی آن هایی که رحلت کرده اند رجعت می کنند به طوری که هیچ نفاقی نمی تواند خود را در آن جبهه جای دهد؛ و جبهه ای در مقابل آن جبهه که کفر محض است، و هیچ نوری از توحید در آن نیست، و در چنین شرایطی همه ی ابعاد الهی و غیر الهی عالم ظهور می کند در حالی که حاکمیت با حق خواهد بود و روح های شیطانی امکان حیله گری را از دست می دهند و به این معنی حضرت باقر علیه السلام فرمودند: «وَ يُهْلِكُ عَلَى يَدِهِ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ»(۱) هر شیطان سرکشی به دست حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف هلاک می شود.

۴- در مورد تحلیل و تصور درست از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باید دانست اگر روح زمانه به درک معارف بلند نرسیده باشد نمی توان آن معارف را در مجامع عمومی طرح کرد، چون جای خود را در بین افکار عمومی باز نمی کند تا اندیشه ها بتوانند موافقت یا مخالفت کنند. در چنین موقعیت هایی باید زمینه های فرهنگی را رشد داد تا آرام آرام آن معارف جای خود را باز کنند و به صورت کاربردی در زندگی مردم وارد شوند. در نظر بگیرید اگر کسی در زمان ناصرالدین شاه که تصور عمومی آن بود

۱- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۰.

که حاکمیت فقط باید مربوط به شاه باشد، مطرح می کرد که در مسائل سیاسی و نظامی و اقتصادی باید دین حاکم باشد، سریعاً از این جمله چنین برداشت می کردند که شما معتقدید روحانیون باید شاه بشوند، چون تصوری تحت عنوان این که امکان دارد قوانین در جامعه حکومت کنند و مسئولان کشور هم کارگزار و مجری قوانین باشند، معنی نداشت ولی آرام آرام زمانه توانست تصور حاکمیت قانون را به جای حاکمیت شخص شاه بفهمد. در این حالت است که می توان مطرح کرد: «حالا که باید قانون حکومت کند، بهترین قانون، قانون خداست» و طرح ولایت فقیه در شرایط جدید اندیشه ها را به خود واداشت.

غیبت حضرت صاحب الأمر عجل الله تعالی فرجه الشریف واقع شد تا تصور صحیح و معنی درستی از ظهور ولایت تامّه ی حق در همه ی ابعاد زندگی بشر به وجود آید و معنی چنین ولایتی برای اندیشه ها روشن گردد.(۱)

همان طور که امروز معنی ولایت فقیه برای موافق و مخالف روشن است و مخالفان هم می توانند معنی درست آن را تصور کنند. طرح ولایت فقیه در مسیر تاریخِ معاصر آرام آرام جای خود را باز کرد، به طوری که امروزه می توان به عنوان یک گفتمان با افراد صحبت کرد و آن را در مجامع علمی طرح نمود که چگونه می شود حکم خدا در نظام اقتصادی، سیاسی، تربیتی یک جامعه جاری باشد و روشن کرد تفاوت آن با حاکمیت اندیشه ی بشر بر

۱- مقام معظم رهبری«حفظه الله» معتقدند اگر پیام غدیر در جامعه ی اسلامی پذیرفته می شد و همچنان ائمه بر جهان اسلام حاکم می شدند «باز به گمان بیشتر بشر نیاز به یک دوران انتظار داشت تا بتواند آن جامعه ی آرمانی را تحقق ببخشد. (غدیر سال ۱۳۸۴)

امور سیاسی، اقتصادی، تربیتی در چیست، از نظر تاریخی تا این جاها جلو آمده ایم و در حال حاضر مشکل تاریخی ما در چگونگی اجرای حکم خداست نه در پذیرش حکم خدا. در حال حاضر افکار عمومی نمی گویند: مگر روحانیون هم می شود شاه شوند؟ چون می فهمند معنی حاکمیت حکم خدا توسط فقیه به معنی حاکمیت سُنن معنوی عالم است در قالب تشریع الهی.

در نظر بگیرید اگر همین روند فکری- فرهنگی ادامه پیدا کند، حاکمیت حکم خدا توسط امام معصوم چه اندازه معنی خود را می یابد و عموم مردم آماده ی نظر به باطنی ترین بُعد هستی می گردند. این است که گفته می شود در دل فهم ولایت فقیه، شوق انتظارِ ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پایه ریزی می شود.

معنی آماده شدن زمانه از نکات بسیار ظریف و عمیقی است که تحت عنوان «انتظار فرج» باید مورد توجه قرار گیرد و از شخص منتظر، انسان حکیمی می سازد که بداند در چه زمانی باید چه اقدامی انجام دهد تا منجر به حضور افراد جامعه در محضر غیبی ترین بُعد هستی گردد.(۱)

موضوع سیرِ جدایی جبهه ی حق از جبهه ی باطل در مسیر تاریخ از نکته های قابل توجهی است، به طوری که مقابله با رژیم ناصرالدین شاه با این که شاهِ یک کشور شیعه بود، با مقابله با نظام اسلامی که ولیّ فقیه بر رأس آن است یک شکل نیست و به یک اندازه مقابله ی حق با باطل به حساب نمی آید. این است معنی پررنگ ترشدن تقابل جبهه ی حق و

۱- در مورد چگونگی اقدامی مناسب روح زمانه به نوشتار «اهل البیت علیهم السلام و زمان شناسی» در کتاب« امام و امامت در تکوین وتشریع» از همین مؤلف رجوع فرمایید.

جبهه ی باطل که حضرت صادق علیه السلام در موردش می فرمایند: «فَإِنَّهُ تَمْتَدُّ أَیَّامُ غَیْبَتِهِ لِیُصَرِّحَ الْحَقُّ عَنْ مَحْضِهِ وَ یَصْفُوَ الْإِیمَانُ مِنَ الْکَدَرِ بِارْتِدَادِ کُلِّ مَنْ کَانَتْ طِینَتُهُ خَبِیثَهً مِنَ الشِّیعَهِ»(۱) غیبت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف طولانی خواهد شد تا حقِ محض عیان و آشکار گردد و با ارتداد شیعیانی که دارای سرشت پلید هستند، ایمان از آلودگی پاک گردد.

شاه عباس بر سر فقها تا آسمان منت می گذاشت تا به شهرها نامه بنویسد که حکم شیخ بهایی و محقق کرکی به عنوان شیخ الاسلام نافذ باشد، ولی سیر تاریخی در حال حاضر به جایی رسیده است که ولیّ فقیه حکم رئیس جمهور را تنفیذ و قابل اثر می کند و این همان معنی جهت گیری عالَم است به سوی غلبه ی همه جانبه ی ولایت حق و ظهور ولایت تامّه ی الهی از طریق امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به طوری که اگر مانعی در این مسیر پیش بیاید چون آن مانع بی ریشه است محکوم به فنا می باشد و هرگز امکان ندارد جهت گیری عالَم به سوی ولایت کامل الهی تغییر کند. زیرا تحقق ظهور ولایت تامّه ی الهی جزء لاینفک عالم هستی است و رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بر همین مبنا می فرمایند: «لَوْ لَمْ یَبْقَ مِنَ الدُّنْیَا إِلَّا یَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِکَ الْیَوْمَ حَتَّی یَبْعَثَ اللَّهُ فِیهِ رَجُلًا مِنْ وُلْدِی»(۲) اگر یک روز از عمر دنیا باقی باشد آن روز آن قدر طولانی می شود تا مردی از فرزندان من برانگیخته شود.

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۶.

۲- الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۳۴۰.

معنی پر رنگ شـدن جبهه ی حق و باطل هم اکنون ظاهر شده و باطل بسـیار جذاب گشـته و تنها از طریق حقِّ محض و آن هم در نهایتِ پررنگی یعنی خلوص همه جانبه، قابل دفع است و منتظران واقعی کسانی اند که در امر نزدیکی به حق، نهایت تلاش را در عقیده و عمل داشته باشند. اگر در یک دین داری ضعیف و نیم بند هستید معلوم نیست در این شرایط که باطل این چنین پُررنگ و جذاب است، سـر به سـلامت ببرید. باید به صورتی عمیق حساب خود را از باطلِ زمانه جدا کنید و اگر به کفر زمانه بـا آن همه ظـاهر تکنیکی اش، «نه» گفته نشود در زیر سـایه ی ولاـیت امـام زمـان عجل الله تعالی فرجه الشـریف قرار نخواهیم گرفت، همچنان که انجمن حجتیه ای ها قرار نگرفتنـد، چون در عین پذیرش همه ی تجملات دنیای مدرن می خواسـتند طالب ولایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشند و نتیجه آن شد که روبه روی انقلاب اسلامی ایستادند.(۱)

۵- ابراهیم کَرخی از حضرت امام صادق علیه السلام پرسید:

أَلَمْ یَکُنْ عَلِیٌّ علیه السـلام قَوِیّاً فِی دِینِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَـلَّ؟ قَـالَ: بَلَی. قَالَ فَکَیْفَ ظَهَرَ عَلَیْهِ الْقَوْمُ وَ کَیْفَ لَمْ یَـدْفَعْهُمْ وَ مَا یَمْنَعُهُ مِنْ ذَلِکَ؟ قَالَ آیَهٌ فِی کِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَنَعَتْهُ قَالَ قُلْتُ وَ أَیَّهُ آیَهٍ هِیَ قَالَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ «لَوْ تَزَیَّلُوا لَعَـذَّبْنَا الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْهُمْ عَذاباً أَلِیماً»(۲)

إِنَّهُ کَانَ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَدَائِعُ مُؤْمِنُونَ فِی أَصْلَابِ قَوْمٍ کَافِرِینَ وَ

۱- مقام معظم رهبری«حفظه الله» می فرمایند: اگر قدرت در اجتماعات انسانی دست شیطان صفتان باشد دنیا به همان راهی می رود که شـما امروز مظاهر آن را در دنیای مـدرن مشاهـده می کنیـد. هرچه دنیا مدرن تر بشود خطرِآن گونه حکومت ها بیشتر می شود. (۴/۹/۱۳۸۹)

۲- سوره ی فتح، آیه ی ۲۵.

مُنَافِقِینَ فَلَمْ یَکُنْ عَلِیٌّ علیه السلام لِیَقْتُلَ الْآبَاءَ حَتَّی یَخْرُجَ الْوَدَائِعُ فَلَمَّا خَرَجَتِ الْوَدَائِعُ ظَهَرَ عَلَی مَنْ ظَهَرَ فَقَاتَلَهُ وَ کَذَلِکَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَیْتِ لَنْ یَظْهَرَ أَبَداً حَتَّی تَظْهَرَ وَدَائِعُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِذَا ظَهَرَتْ ظَهَرَ عَلَی مَنْ یَظْهَرُ فَقَتَلَه»(۱)

آیا حضرت علی علیه السلام در دین خدا نیرومند و جدی نبود؟ حضرت فرمودند: آری. عرض کرد پس چرا آن مردم بر او غلبه کردند و چرا از اصحاب خود دفاع نکرد و چه مانعی در مقابل خود داشت؟ فرمود آیه ای در کتاب خدای عز و جل او را مانع شد. گوید عرض کردم آن کدام آیه است؟ فرمود گفته خدای عز و جل که می فرماید: «اگر مؤمنان و کفار از هم جدا می شدند، آن کسانی که کافرند را عذابی دردناک می کردیم» به درستی که برای خدای عز و جل مؤمنانی باشند که در اصلاب مردم کافر و منافق امانت هستند، علی علیه السلام پدران را نمی کشت به انتظار این که امانت ها بیرون آیند و چون امانت ها بیرون آمدند غلبه خواهد شد بر کسانی که باید با آن ها جنگید و بر این اساس قائم ما اهل بیت هرگز ظهور نکند تا امانت های خدای عز و جل از پشت کفار ظاهر گردد و چون ظاهر گردند غلبه کند بر آن هایی که باید بر آن ها غلبه کند و پیروز گردد، پس آن ها را به قتل برساند.

این روایت به خوبی نشان می دهد در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شرایط طوری شکل می گیرد که مرزهای حق و باطل به خوبی از هم جدا است و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محذوریت امیرالمؤمنین علیه السلام را ندارند تا ملاحظه

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۲.

کنند کسی که به جنگ حضرت آمده مثلاً نسل دهمش مؤمن است و لذا باید کشته نشود، چون اولاً: در آخرالزمان تمام کفر در مقابل حضرت است. ثانیاً: همه ی امانت ها از پشت پدرانشان خارج شده است. معلوم است که چنین جبهه ای شکوفایی خاصی در نمایاندن حق دارد و حتماً باید ظهور کند تا «حق» در همه ی جلوه هایش ظهور کرده باشد.

۶- ظلمات آخرالزمان آن چنان غلیظ است که هرگونه غیبی را انکار می کند، در چنین شرایطی هرکس نظر به باطنی ترین بُعد هستی یعنی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نداشته باشد یک نحوه نسبت و سنخیتی با ظلمات آخرالزمان پیدا خواهد کرد و به همان اندازه از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که حقیقت خالص است فاصله دارد، حتی کسی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را قبول دارد ولی نه از آن جهت که حضرت در حال حاضر موجود باشند بلکه موعودی است که بعداً می آید، و از این طریق از ارتباط حضوری با آن حقیقت غیبی خود را محروم می کند، به وَهمیات حاصل از ظلمات آخرالزمان گرفتار خواهد شد. باید از او پرسید چگونه امامی که مقصد عالم است هم اکنون در افق عالم غیب موجود نیست، در حالی که تمام عالم به او متصل است و از پرتو انوار وجود او بهره می گیرند؟ مگر می شود خودِ امام منفعل عالم باشند و وجود او منوط به زمین و زمانِ خاص گردد؟ این فکر نشانه ی گرفتاری در ظلمات آخرالزمان است که هرگونه غیبی را انکار می کند و در واقع یک نوع انکار ولایت حق در عالم است.

۷- به اندازه ی آماده شدن جامعه برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، جامعه خود را به غیب و قیامت نزدیک می کند و بستر تحقق هرچه زودترِ آن غیبِ

ص: ۵۸

نهایی فراهم می گردد زیرا نفسِ پایداری در انتظار، موجب صعود جامعه به سوی غیب خواهد شد و مدت غیبتِ آن حضرت را کوتاه می کند و عالم غیب را به ظهور تبدیل می نماید. یهودیان در مورد انتظار از حضرت عیسی علیه السلام گرفتار ارتجاع سیاه شدند، همان چیزی که بعداً مسیحیان بدان گرفتار شدند و چون هیچ کدام منتظر انوار غیبی نبودند، نور حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را ندیدند. در اسلام هم اکثر مسلمانان روحیه ی انتظار از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در خود شعله ور نگه نداشتند تا بتوانند ماوراء وضع موجود، به افقی برتر نظر کنند، همان طور که بعضی شیعیان وارد اردوگاه منتظران نشدند و نتوانستند نور انقلاب اسلامی را که شروع طلوع ظهور است، بنگرند.

۸- در رابطه با این که با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همه ی کمالاتی که امکان ظهور در دنیا را دارد، محقق می شود و انبیاء گذشته هرکدام تلاش می کردند بعضی از آن ها را ظاهر کنند، حضرت امام حسین علیه السلام می فرمایند: «فِی التَّاسِعِ مِنْ وُلْدِی سُنَّةٌ مِنْ یُوسُفَ(۱) وَ سُنَّةٌ مِنْ مُوسَی بْنِ عِمْرَانَ وَ هُوَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَیْتِ یُصْلِحُ اللَّهُ تَعَالَی أَمْرَهُ فِی لَیْلَةٍ وَاحِدَه»(۲) در نهمین فرزند من سنّتی از یوسف و سنّتی از موسی بن عمران است، او قائم ما اهل البیت است و خدای تعالی امر او را در یک شب اصلاح فرماید و

ص: ۵۹

۱- سنت یوسف علیه السلام عبارت است از «ستر» که خداوند بین او و خلق حجابی قرار داد که مردم او را می دیدند ولی نمی شناختند. و سنت موسی بن عمران علیه السلام تولد پنهانی حضرت و غیبت او از قومش بود.

۲- شیخ طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۴۲۷. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۷.

در همین رابطه از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمودند: «إِنَّ لِلْقَائِمِ مِنَّا غَیْبَهً یَطُولُ أَمَدُهَا» «قائم ما غیبتی دارد که طولانی می شود». سُدیر می پرسد: یابن رسول الله: علت آن چیست؟ می فرمایند خداوند نمی خواهد این امر انجام شود مگر این که سنت هایی که پیامبران در غیبت شان داشته اند، در این غیبت نیز انجام گیرد. پس ای سُدَیْر باید تمام مجموع غیبت های پیامبران، در آخرین غیبت وجود داشته باشد و سنت های گذشتگان در مورد شما جاری شود.»(۱)

وقتی بنا است آن سنتی که در غیبت سایر انبیاء واقع شده جمعاً در غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جاری شود پس باید زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز شرایطی فراهم گردد که امکان ظهور تمام حقایقی که پیامبران می خواستند واقع شود به میان آید و از این لحاظ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

عصاره ی ظهور حقایق همه ی انبیاء است و به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام: «وَ یحْیی مَیتَ الکِتابِ وَ السُّنَّهِ»(۲) یعنی؛ مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریفکتاب و سنت را که مرده است، زنده می کند. در عصر مهدوی، جهان با احیای اسلامی جدید و نوسازیِ دینی مواجه خواهد شد. امام صادق علیه السلام می فرمایند: «یَهْدِمُ مَا قَبْلَهُ کَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ یَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِیدا».(۳) همانند رسول خد صلی الله علیه و آله و سلم آنچه قبل از اوست همه را منهدم می کند و اسلام جدیدی به میان می آورد. و نیز حضرت می فرمایند: «إِنَّ دَوْلَتَنَا آخِرُ الدُّوَلِ وَ لَمْ یَبْقَ أَهْلُ بَیْتٍ لَهُمْ دَوْلَهٌ إِلَّا

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۰.

۲- نهج البلاغه، خطبه ی ۱۳۸.

۳- بحار ج۵۲ ص۳۵۲- نعمانی، الغیبه باب ۱۳، ص۲۳۱.

مَلَكَوا قَبْلَنَا لِئَلَّا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سِيرَتَنَا إِذَا مَلَكْنَا سِرْنَا بِمِثْلِ سِيرَهِ هَؤُلَاءِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَی وَ الْعاقِبَهُ لِلْمُتَّقِین».(۱) همانا دولت ما پایان دولت ها است و هیچ خاندانی که بخواهند بدولت و سلطنت رسند بجای نمانند جز اینکه پیش از ما به سلطنت رسند، تا اینکه چون راه و روش ما را ببینند نگویند: چون ما به سلطنت رسیم مانند اینان رفتار کنیم و همین است معنای گفتار خدای تعالی: «و پایان کارها از آن پرهیزکاران است»(۲)

و نیز می فرمایند: «... و در میان خلائق به طریق داوود و محمد صلی الله علیه و آله و سلم حکم می کند، در این وقت زمین خزینه های خود را ظاهر و برکات خویش را آشکار می گرداند...»(۳)

و نیز می فرمایند: «هنگامی که قائم ما قیام کند، زمینی باقی نمی ماند مگر آن که ندا در آن سر داده می شود که «اشهد ان لا اله الاّ الله و اَنَّ محمّد رسول الله»(۴) می فرمایند: «و یذهبُ الزِّنی و شربُ الخمرِ و یذهبِ الرِّبا و یُقْبَلُ النّاسُ عَلی العباداتِ وَ تُؤَدّی الامانات»(۵) روابط نامشروع و مشروبات الکلی و رباخواری از بین می رود و مردم به عبادات و اطاعت روی می آورند و امانت ها را به خوبی رعایت می کنند. امام باقر علیه السلام می فرمایند: «إِذْ قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتِ الْمُزَامَلَهُ وَ يَأْتِی الرَّجُلُ إِلَی کِیسِ

۱- تاریخ ما بعدالظهور، محمد صدر، ص۲۸۲.

۲- سوره ی اعراف، آیه ی ۱۲۸.

۳- مهدی موعود، ج۲، ص۲۲۴.

۴- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

۵- منتخب الاثر، ص۴۷۴.

أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا يَمْنَعُه»(۱) هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، رفاقت و دوستی خالصانه رایج می گردد و اگر مردی دست در جیب برادرش فرو برد و به اندازه ی نیازش بردارد، برادرش او را منع نمی کند.

علی علیه السلام می فرمایند: «لَوْ قَدْ قامَ قائمنا...لَذَهبَتِ السَّحناءُ مِن قلوبِ العباد»(۲) چون قائم ما قیام کند، کینه ها از دل ها بیرون رود. این خبرها حکایت از همان موضوعی دارد که با ظهور حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف همه ی کمالاتی که زمین امکان بروز آن را دارد به وقوع می پیوندد.

۹- یعقوب ابن منقوش می گوید: خدمت امام عسکری علیه السلام رسیدم، عرض کردم جانشین شما چه کسی است؟ حضرت در جواب من پرده ای را که جلو اطاق بود عقب زدند، «فَخَرَجَ إِلَيْنَا غُلَامٌ خُمَاسِيٌّ لَهُ عَشْرٌ أَوْ ثَمَانٌ أَوْ نَحْوُ ذَلِكَ وَاضِحُ الْجَبِينِ أَبْيَضُ الْوَجْه»(۳) یک جوان بسیار نورانی که در ظاهر حدود هشت، ده ساله بود از پشت پرده ظاهر شد - حضرت پنج سال بیشتر نداشتند ولی رشدشان بیشتر از معمول بوده- آن جوان آمد امام فرمودند: این امام شماست و پس از صحبت هایی به دستور امام عسکری علیه السلام به آن اطاق برگشت. راوی می گوید: پس از این حضرت عسکری روی خود را به طرف من کردند و فرمودند: در اطاق چیزی می بینی؟ من داخل شدم و کسی را در آنجا ندیدم.(۴)

آنچه از امثال این اخبار استفاده می شود غلبه ی

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۳.
۲- بحارالانوار، ج۵۲ ، ص۳۱۶. خصال، ج۲ ، ص۲۵۴، ح۱۰۵۱.
۳- إعلام الوری بأعلام الهدی، شیخ طبرسی، ص ۴۴۱.
۴- همان.

جنبه ی غیبی امام بر جنبه ی جسمانی آن حضرت است. آن هم در زمانی که هنوز نه غیبت صغرای امام شروع شده و نه غیبت کبرای آن حضرت، با این همه غلبه ی غیبِ حضرت بر ظهورشان بیشتر است.

در نمونه ی دیگر در تاریخ داریم؛ حکیمه دختر امام جواد علیه السلام که عمه ی امام عسکری علیه السلام هستند، می گوید: در خانه ی امام عسکری علیه السلام بودم عصر روز چهاردهم شعبان سال ۲۵۵ خواستم به منزل خود بروم، حضرت فرمودند عمه نروید امشب بمانید، امشب نرگس خاتون می خواهد فرزند به دنیا بیاورد. می گوید: «فَقُلْتُ لَهُ جَعَلَنِیَ اللَّهُ فِدَاکَ مَا بِهَا أَثَر»(۱) گفتم خداوند مرا فدای تو کند در او اثری از حمل نیست. فرمودند مطلب همین است که گفتم. آن شب را در آن جا ماندم و در تمام طول شب منتظر شدم ولی خبری نشد، در ذهن خودم داشتم تردید می کردم که یک وقت امام عسکری علیه السلام از داخل اطاق، با صدای بلند فرمودند: عمه جان شک نکن، ولادت نزدیک است و در طلوع فجر تولد واقع شد.(۲)

ظرایفی در تولد حضرت هست که مورد بحث ما نیست. آنچه ملاحظه می کنید غلبه ی جنبه ی غیبی حضرت نسبت به جنبه ی جسمانی حضرت است حتی موقعی که در شکم مادرشان هستند از نظر ظاهر معلوم نیست. در همین راستا در روایت داریم حضرت عیسی علیه السلام در آخرالزمان با ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از آسمان نزول می کنند و به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اقتدا می نمایند. با توجه به این که اولاً: جنبه ی غیبی حضرت عیسی علیه السلام در آن

۱- همان، ص ۴۱۸.

۲- همان.

حدّ است که از طریق جبرائیل به عنوان یک ملکِ مقرب، مادرشان حامله شده است. ثانیاً: به آسمان غیب صعود کردند و نمرده اند، این نشان می دهد مقام اصلیِ غلبه ی جنبه ی غیبی بر جنبه ی جسمانی مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است چون اقتدای انسان های معصوم به همدیگر مثل قراردادهای اعتباری ما نیست بلکه ریشه در حقیقت آن ها دارد. و اقتدای حضرت عیسی علیه السلام بر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حکایت از ظهور حقیقت تکوینی خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد و این که حضرت مأمورند باطنی ترین بعد هستی را بر عالم جسم حاکم کنند.

در یک کلام: در آخرالزمان به نور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آنچه در حال حاضر در دنیا غیب است، تا آنجا که ممکن است به ظهور می آید و موانع ظهورِ غیب و ظهور حق برطرف می شود. خداوند به ما کمک کند آمادگی پذیرش نورِ پاک غیبی را در خود و در جامعه ایجاد کنیم و از این طریق نظر جامعه به وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم نمائیم زیرا حضرت، صاحب اصلی مقام غلبه ی غیب بر عالم جسم اند.

رجعت؛ شرایط تکمیل انسان ها

سؤال: با توجه به این که فرمودید در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شرایط رجعت فراهم می شود این سؤال پیش می آید که رجعت در چه زمانی و برای چه کسانی صورت می گیرد؟

جواب: ظاهراً در متن ظهور حضرت، رجعت به عنوان شرایط تکمیل انسان ها شروع می شود در همین رابطه در روایت داریم که وقتی ظهور

واقع می شود، اهل قبر به یکدیگر مژده می دهند که ظهور واقع شده. حضرت صادق علیه السلام می فرمایند: «هنگاهی که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کنند، بر سر قبر مؤمن می آیند، پس به او گفته می شود: فلانی؛ امام ات ظهور کرده. «فَاِنْ تَشَاءَ اَنْ تَلْحِقَ بِهِ فَالْحَقْ ...» اگر می خواهی به او ملحق شوی به او ملحق شو و اگر می خواهی همین جا در ذیل کرامت پروردگارت بمانی چنین کن»(۱)

خبر ظهور حضرت را به اهل برزخ می دهند تا آن هایی که اجازه دارند به دنیا برگردند اگر خواستند برگردند. البته معلوم است کسانی از آن ظهور خوشحال و جهت رجعت به دنیا آزادند که در زندگی دنیایی منتظر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده اند، مثل این که یک کتاب ارزشمند را یک روزه به کسی قرض دهند و او در آن یک روز نکاتی از آن را نخوانده است، حال اگر بعد از مدتی به او بگویند یک روزِ دیگر فرصت دارد آن کتاب را مطالعه کند اگر احساس کند حق مطلب را ادا نکرده است و هنوز روحیه ی مطالعه ی کتاب برایش هست از آن فرصت استقبال می کند، ولی کسی که بیش از آن نمی توانسته از آن کتاب استفاده کند از فرصت پیش آمده استقبال نمی کند. «رجعت» یک فرصت است برای آن مؤمنینی که هنوز جای تعالی دارند. در همین رابطه حضرت صادق علیه السلام می فرمایند: هفت نفر از اصحاب کهف و یوشع بن نون و سلمان فارسی و ابودجاجه ی انصاری و مقداد و مالک اشتر با حضرت قائم هستند.(۲) اشقیائی هم که طالب شقاوت بیشتر بودند رجعت می کنند تا خود را در

۱- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۱.

۲- بحارالانوار، ج ۸۳ ، ص ۹۱.

شقاوت به فعلیت کامل برسانند.(۱)

رجعت باید در دنیا محقق بشود تا زمینه برای تمام کسانی که به فعلیت کامل نرسیده اند و نیاز به فرصت دارند، فراهم شود. به همین جهت معنی ندارد افراد متوسط رجعت کنند، چون آن ها در جبهه های شقاوتِ کامل و یا سعادت کامل جایی ندارند.

کامل ترین شرایط

سؤال: در عصر ظهور که حق و باطل هر دو پر رنگ می شود آیا با ظهورِ حق، ارزش ایمان آوردن، بیشتر می شود یا کم تر؟

جواب: ارزش ایمان آوردن، بیشتر می شود چون انسان ها باید در آن شرایط به عالی ترین انتخاب ها دست بزنند و اساساً آن هایی که در جبهه ی حق قرار می گیرند حتماً اراده ای قوی داشته اند که توانسته اند از ظلمات آخرالزمان با آن همه جذابیت فاصله بگیرند و به مقابله برخیزند. باید همّت بالائی داشته باشند که آمده اند افق عالیه ی ظهور حضرت را درک کنند. در روایت داریم که سوره ی «قل هوالله احد» و شش آیه ی اول سوره ی حدید را خداوند برای آخرالزمان نازل کرد.(۲)

چون این آیات دارای عمق توحیدی فوق العاده ای است و نشان می دهد در آخرالزمان فهم و درک بالایی در مؤمنین هست که آیات مذکور برای آن ها نازل شده. در آن شرایط کسی نمی تواند مؤمن متوسط و ساده ای باشد، چون جبهه ی

۱- حضرت صادق علیه السلام می فرمایند: «إِنَّ الرَّجْعَهَ لَیْسَتْ بِعَامَّهٍ وَ هِیَ خَاصَّهٌ لَا یَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِیمَانَ مَحْضاً أَوْ مَحَضَ الشِّرْکَ مَحْضا» رجعت عمومی نیست بلکه افراد خاصی به دنیا برمی گردند که یا مؤمن خالص و یا مشرک محض باشند. (بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۳۹)

۲- کافی، ج ۱، ص ۹۱.

ساده ای نیست که او در آن قرار گیرد، دو جبهه ی پر رنگِ حق و باطل در صحنه است و معنی ندارد که کسی در عین داشتن عقیده ا ی باطل صورت ایمان به خود بگیرد. امروز اکثر مردم نمی دانند دشـمن شان چه اندازه خطرناك و منحرف است، این امر با ظهور حضـرت معلوم می شود. مگر زیبایی جهان به این نیست که دروغ و نفاق معلوم شود؟ در حال حاضـر گاهی انسان ها متوجه نیسـتند چه چیزی را انتخاب می کنند وگرنه به انتخاب آن دست نمی زدند و اگر شـرایط شفاف شود حق را انتخاب خواهنـد کرد. زیبـاترین شـرایط برای جهـان، شـرایطی است که حق و باطل روشن باشـد و خداونـد با ارسال رسولان و آوردن شریعت و پروراندن انسان های معصوم خواسـته است چنین جهانی به بشـریت هدیه کند ولی انسان ها آن طور که باید و شاید از آنچه خداوند برایشان فراهم کرد استفاده نکردند.

آخرالزمان؛ عالَمی گسترده تر

سؤال: در آخرالزمان که عالم و آدم به رشد نهایی خود می رسند رابطه ی ظاهر عالَم با باطن آن چگونه است؟

جواب: ظـاهر و بـاطن عـالَم به هم نزدیـک می شونـد. نشـئه ی اصـلی که در آن نشـئه آنچه باطن است ظاهر می شود نشـئه ی قیـامت است به طوری که ظـاهر و بـاطن در آن نشـئه یکی می گردد و بـاطن، همان ظاهر خواهـد بود. برعکسِ دنیا که حقایق باطنی محجوب هستند و صورت های دنیایی حجاب عالم غیب و معنویت اند ولی هرچه به قیامت نزدیک تر شویم

زمینه ی ظهور عـالم غیب فراهم تر می شود. در آن زمـانی که حضـرت آدم علیه السـلام ظهور کرد به همان انـدازه عالم غیب امکان ظهور داشت که حضـرت آدم علیه السـلام آن را می نمایاندند ولی هر چقدر جلو می آیید امکان ظهورِ باطن، بیشتر می شود تا به حضـرت محمد مصـطفی صلی الله علیه و آله و سلم می رسد که اوج نمایش سرّی ترین ابعاد عالم غیب است. به این معنی بـاطن، ظاهر می شود و ظاهر و باطن به یکـدیگر نزدیک می گردنـد تا زمان ظهور حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که باطنی ترین بُعد هستی ظاهر می شود و دنیا از حالت دنیایی اش - که به حجاب بردن حقایق معنوی بود- به حالت قیامتی نزدیک می شود، تا آن جا که حتی ساکنان عالم قبر و برزخ امکان حضور در دنیا را پیـدا می کنند و شـمه ای از قیامت - که در آن مردگان از قبرها بیرون می آینـد- نمایان می گردد. اصل ظهور باطن مربوط به قیامت است و قرآن در وصف آن می فرماید: «تَطَّلِعُ عَلَی الْأَفْئِدَه»(۱) افئـده جمع فؤاد به معنی قلب و جنبه ی باطنی انسان است. می فرماید آنچه در قلب ها اسـت طلوع می کند و ظاهر می شود و عملاً جنبه های غیبی انسان ها، ظهور می یابد.

از ابتدای خلقت همین طور سـنتِ ظهور باطن ادامه دارد تا در آخرالزمان و با ظهور حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشـریف به اوج خود می رسد. به طوری که در اوج خفا، اوج ظهور محقق می شود. آخرالزمان چنین شرایطی است که اگر از جهت ظلمـات، در جبهه ی اشـقیاء هرگونه معنویـتی مورد انکـار قرار می گیرد و فرمانـدهی آن جبهه بـا دجّالی است که یک چشم دارد و فقط محسوسات را می نگرد، در جبهه ی سُعداء نیز فرماندهی

۱- سوره ی همزه، آیه ی ۷.

با کسی است که حقیقت او در باطنی ترین بُعد هستی جای دارد و از آن جایگاه ظهور کرده است. در چنین شرایطی که باطن ها آشکار می شود منافق نمی تواند به نفاق خود ادامه دهد و باطنش آشکار می شود. به طور کلی شرایط طوری خواهد شد که جنبه هایی از مخلوقات که عالم غیب و باطن را به حجاب می برند ضعیف و جنبه های ظهور بواطنِ غیبی شدید می گردد و بر این اساس آخرالزمان را مرز بین دنیا و قیامت می دانند. اکثر مردم دنیا اگر بفهمند در آخرالزمان چه اتفاقاتی واقع می شود طالب آن هستند، مگر کافران. انسان های مؤمن به حقایق معنوی آرزو می کنند که آخرالزمان هر چه زودتر واقع شود تا در عالمی گسترده تر از عالمی که فعلاً در آن هستند زندگی کنند و جلوات حاکمیت حق در امور فردی و اجتماعی را درک نمایند.

راز سرعت بخشیدن به ظهور

سؤال: آیا می توان گفت ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به جهت اعمال و عقاید شیعیان عقب و جلو می افتد، اگر این طور است چگونه ما می توانیم در نزدیک شدن ظهور آن حضرت اقدام کنیم؟

جواب: بله؛ حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف برای شیخ مفید می نویسند: «وَ لَوْ اَنَّ اَشْیاعَنا وَفَّقَهُمُ اللهُ لِطاعَتِهِ عَلی اِجْتِماعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِی الْوَفاءِ بِالْعَهْدِ عَلَیْهِمْ لَما تَأَخَّرَ عَنْهُمُ الْیُمْنُ بِلِقائِنا وَلَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعادهُ بِمُشاهَدَتِنا عَلی حَقِّ الْمَعْرِفَهِ وَ صِدْقِها مِنْهُمْ بِنا، فَما یَحْبِسُنا عَنْهُمْ اِلاّ ما یَتَّصِلُ بِنا مِمّا نَکْرَهُهُ، وَ

ص: ۶۹

لا نُؤْثِرُهُ مِنْهُمْ، وَاللهُ الْمُسْتَعان»(۱) اگرشیعیان ما، که خداوند به طاعت خودش، موفقشان کند، قلب هایشان در وفای بر توجّه به ما و توجّه به عهد با ما همدل بود، برکتِ همراه با ملاقات ما، از آن ها به تأخیر نمی افتاد و سعادت دیدار همراه با حقِّ معرفت و صحیح بودن آن به سوی آن ها می شتافت، پس ما را از آن ها پوشیده نمی دارد مگر همان چیزهایی که از آن ها به ما می رسد که ما آن کارها را دوست نداریم و چنین اعمالی را از شیعیانمان نمی پسندیم، و خدا مدد کننده است.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منتظر آمادگی ما می باشند، منتظر این که دل های ما از پرده ی غیب در آید. این نکته ی بسیار مهمی است که در عین حتمی بودن ظهور، زمان ظهور بستگی به شخصیت افراد جامعه ی اسلامی دارد. همین طور که در عین حتمی بودن اجل مُسمّی، امکان تقدم و تأخر آن به اعمال ما بستگی دارد، هر اندازه انسان ها به ورع نزدیک شوند و نظرها به آن امام معصوم معطوف گردد، امکان تسریع در ظهور بیشتر می شود. اگر سطح فرهنگ انتظار را پائین بیاوریم و انتظارِ خود را از باطنی ترین بُعد هستی به چراغانی و شربت و شیرینی تقلیل دهیم، ظهور حضرت را عقب می اندازیم. با سطحی شدن انتظار عملاً از حضرت می خواهیم تشریف بیاورند و همین کارهایی را که ما می کنیم بپذیرند و این موجب می شود جلوی ظهور گرفته شود. حضرت صادق علیه السلام می فرمایند: قائم در میان کم تر از «فئه» خروج نخواهد کرد و فئه ده هزار کمتر نیست.(۲)

از آن

ص: ۷۰

۱- بحارالأنوار، ج ۵۳ ، ص ۱۷۷.

۲- اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۴۸.

طرف داریم که یاران حضرت، سیصد و سیزده نفرند. به این معنی است که آن ده هزار نفر صاحب بیرق نیستند ولی سیصد و سیزده نفر صاحب بیرق و از تئوریسین های آن مکتب می باشند که حرف حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف را می فهمند و تا زمینه ی پرورش و نفوذ چنین افرادی فراهم نشود چگونه حضرت می توانند در عالم مدیریت کنند؟ اگر ما نتوانیم زمانه را آماده کنیم که عده ای از مردم زبان امام و زبان آن سیصد و سیزده نفر را بفهمند، امام باز منتظر می مانند. البته بحمدالله احساس می شود آن اندیشه های نورانی در حال شکل گیری است.

باید تلاش کرد از عمق فرهنگ انتظار کاسته نشود تا زبان امام عجل الله تعالی فرجه الشریف بسته نگردد. سعی کنیم در کنار ارادت صادقانه و عواطف پاک، تفقّهِ در دین نیز به میان آید. زمانه ای را که امام می طلبند تشریح کنیم، همان طور که اگر روح اُموی و عباسی برای مردم به خوبی روشن می شد، حاکمیت امامان معصوم خیلی زودتر برپا می گشت به طوری که حضرت صادق علیه السلام در این رابطه می فرمایند: «كَانَ هَـٰذَا الْأَمْرُ فِيَّ فَأَخَّرَهُ اللَّهُ وَ يَفْعَلُ بَعْدُ فِي ذُرِّيَّتِي مَا يَشَاء»(۱) این امر یعنی ظهور دولت آل محمد را خداوند در من قرار داده بود، ولی آن را به تأخیر انداخت و بعد از من هر طور صلاح بداند، در باره ی ذریه ام عملی می سازد. یا حضرت امام باقر علیه السلام می فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَانَ وَقَّتَ هَذَا الْأَمْرَ فِي السَّبْعِينَ فَلَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ فَأَخَّرَهُ إِلَى أَرْبَعِينَ وَ مِائَةِ سَنَةٍ فَحَدَّثْنَاكُمْ

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۰۶.

فَأَذَعْتُمُ الْحَدِيثَ وَ كَشَفْتُمْ قِنَاعَ السِّتْرِ فَأَخَّرَهُ اللَّهُ وَ لَمْ يَجْعَلْ لَهُ بَعْدَ ذَلِكَ وَقْتاً عِنْدَنَا وَ يَمْحُوا اللَّهُ ما يَشاءُ وَ يُثْبِتُ وَ عِنْدَهُ أَمُّ الْكِتابِ قَالَ أَبُو حَمْزَةَ وَ قُلْتُ ذَلِكَ لِأَبِي عَبْدِاللَّهِ علیه السلام فَقَالَ قَدْ كَانَ ذَاكَ»(۱) خداوند مدت ناراحتی را تا هفتاد سال قرار داده بود ولی چون امام حسین علیه السلام کشته شد، غضب الهی بر مردم روی زمین شدت یافت وآن مدت را تا سال صد و چهل به تأخیر انداخت. ما این مطلب را بشما گفتیم و شما این راز را آشکار نمودید، خداوند هم آن مدت را یعنی صد و چهل سال را هم به تأخیر انداخت. و دیگر وقتی برای آن تعیین نکرد. «یَمْحُوا اللَّهُ ما یَشاءُ وَ یُثْبِتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْکِتابِ» خداوند آنچه را بخواهد از میان می برد و آنچه را بخواهد باقی می گذارد و اُمّ کتاب در نزد اوست.

انقلاب اسلامی کمک زیادی کرد تا جهت گیری ها به سوی ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اصلاح شود و بر همین اساس حضرت امام خمینی«رضوان الله علیه» فرمودند: «من امیدوارم که این کشور با همین قدرت که تا این جا آمده است و با همین تعهد و با همین بیداری، که از اول قیام کرده است و تا این جا رسانده است، باقی باشد این نهضت و این انقلاب و قیام، تا صاحب اصلی ان شاء اللَّه، بیاید. و ما و شما و ملت ما امانت را به او تسلیم کند»(۲)

این جمله را دست کم نگیرید. هیچ وقت آرزوی حکیمان الهی، آرزوی لغوی که بی مصداق باشد نیست، آرزوی معنی دار است.

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۰۵.

۲- صحیفه ی امام خمینی«رضوان الله علیه»، ج ۱۵، ص ۳۸۵.

بایـد روی این موضوعات فکر کنیم که اولاً: بهترین چیز و بهترین هـدیه ی خدا ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف است. ثانیاً: سـرعت ظهور حضرت به همّت ما بستگی دارد و این که سعی کنیم جهت زندگی خود را در جهت ظهور حضرت تنظیم کنیم، در آن صـورت اگر قبـل از ظهـور هم بمیریم به مقصـد خود خواهیم رسـید، اصـل این است که این ارتبـاط برقرار شود.

برکات نگاه درست به مهدویت

سؤال: در راسـتای توجه به فرهنـگ انتظار و عمق بخشـیدن به آن، همّت خود را بیشتر در ایجاد آمادگی جامعه صـرف کنیم یا در اصلاح امور فردی تلاش نماییم؟

جواب: عنایت داشـته باشید که انتظار فرج یک فرهنگ است، آن هم فرهنگی که تحت عنوان فرهنگ اهل البیت علیهم السلام مطرح است، بایـد ابتـدا معنی فرهنـگ اهـل البیت علیهم السـلام برای تک تک افراد جامعه تبیین شود تا معلوم گردد رجوع به حضـرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشـریف رجوع به چه فرهنگی است. در این مسـیر بیش از آن که بخواهید عده ی زیـادی را متوجه آن فرهنـگ بنمائیـد، بایـد سـعی شود عمق آن فرهنگ درست روشن شود تا خودش جایگاه تاریخی خود را بیابـد. بالأخره جایگـاه تاریخی فرهنگ مهـدویت مشـخص است. هر وقت آن فرهنگ درست مطرح شـد به خودی خود جای خود را در تاریخِ مخصوص به خود باز می کند.

اگر فرهنـگ اهـل البیت علیه السـلام به همـان عمقی که هست تئوریزه شود، به خودی خود جـای آن در عالم پیـدا می شود و ظهور محقق می گردد. تلاش

بفرمائیـد برای مردم روشن شود خداونـد خـانواده ای را بـا اراده ای خاص به عنوان خلفاء خود در زمین قرار داده و آن ها را با علمِ موهبتی و لدُنّی پرورانده تا زمین بدون حجت نماند و راه و رسم درست زندگی کردن گم نشود. بشریت باید این خانواده را بشناسد و جایگاه آن ها را در هستی بفهمد تا بتواند خود را به آن ها بسپارد و در زندگی زمینی به ثمر برسد.(۱)

همین طور که ملاحظه کردیـد چگونه فرهنگ ولایت فقیه - که طلوع همان فرهنگ مهـدویت است- جایگاه تاریخی خود را پیـدا کرد و با آن همه فتنه که جهت حـذف آن می شود به حرکت تاریخی خود ادامه می دهـد. علت موفقیت های پی در پی ولایت فقیه در تبیین درست آن توسط انسـان بزرگی چون امـام خمینی«رضوان الله علیه» بود. آیـا فرهنـگ مهـدویت کمتر از فرهنـگ ولایت فقیه است که می خواهیم سرسری از آن بگـذریم؟ همین که تصور درستی از ولایت فقیه در بین اذهان پـدید آمـد همه ی ذهن ها به سوی آن روی آورد، چون در ابتـدا تبلیغ کرده بودنـد ولایت فقیه، ولایت آخونـدها است، وقتی معلوم شـد اساساً آن ولایت، ولایت شـخص نیست، ولایت فقه است و حاکمیت حکم خدا به روش امامان معصوم علیهم السـلام، دل هـا و زبـا ن هـا یک پارچه به سوی آن روی آوردنـد و دشـمنان با آن همه تهمت نتوانسـتند آن را از تاریـخ بیرون کننـد بلکه برعکس، زمینه ی بی تاریخی و گسسـته شـدن از تاریخ را برای خود فراهم نمودند. برای رجوع به فرهنگ مهدویت ابن عباس شدن کافی نیست او چون جایگاه امام معصوم را

ص: ۷۴

۱- در رابطه بـا جایگاه قدسـی اهل البیت علیهم السـلام به کتاب های «حقیقت نوری اهل البیت علیهم السـلام» از همین مؤلف رجوع شود.

نمی دانست وقتی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام معاویه را عزل کردند گفت: علی اشتباه کرد! ، باید مالک اشتر شد که جایگاه امام را می فهمد و امروزه بحمدالله اگر ابن عباس هایی وجود دارند، مالک اشترهای فراوانی نیز در حال پروریدن می باشند به طوری که جوانان ما دیگر از حرف های سطحی جهت تبیین دین خسته شده اند و به اندیشه ای نظر دارند که عقل و دل را یک جا قانع کند و نمونه ی عالی چنین فرهنگی در آثار حضرت روح الله«رضوان الله علیه» به خوبی پایه ریزی شده است.

مردم به خوبی آماده اند که بفهمند جایگاه واسطه ی فیض در هستی چگونه است، از ما نه تنها دلیل می خواهند بلکه امکان اتصال به آن مقام را جستجو می کنند. آمادگی به این معنی است که امروزه جوانان ما فهمیده اند حرف های فرهنگ مدرنیته حجاب حقیقت است و باید از آن به سوی فرهنگ مهدویت عبور کرد و به تمدن اسلامی نظر نمود. آن جوان هایی که نسبت به دین بی تفاوت شده اند به جهت این است که تصور می کنند آنچه در دین مطرح است اندیشه های بزرگ و عمیق را مخاطب قرار نداده. آیا احساس نکرده اید که بعضی از این جوانان و حتی آن هایی که لاابالی گری پیشه کرده اند آمادگی یک نحوه عارف شدن را در خود دارند؟ فکر می کنید اکثر این ها اگر حق را به همان صورتِ همه جانبه که حضرت امام«رضوان الله علیه» مطرح کردند، بیابند نمی پذیرند؟ تمام این مشکلات با مطرح کردنِ صحیح مهدویت رفع می شود و در ذیل طرح درست چنین اندیشه ای تاریخ به کلی ورق می خورد.

ص: ۷۵

سؤال: کدام یک از ابعاد انسانی است که باید بیشتر رشد کند تا تاریخ مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شروع شود؟

جواب: دو چیز است که همیشه تاریخ ساز بوده یکی به صحنه آوردن «دل» و دیگری ایجاد روحیه ی انقلابی. همین طور که مسلمانان صدر اسلام با این دو شاخصه تاریخ اسلام را پایه ریزی کردند. عقل چیز خوبی است ولی کافی نیست، عقل کمک می کند که راه از چاه تشخیص داده شود ولی دل است که باید حرکت کند. از طرفی اگر روح انقلاب در ما رشد نکند دل را در مسیر شکستن حجاب های ظلمانی به کار نمی گیریم. امروزه در جوانان ما «دل» در صحنه است و به همین جهت به دنبال شور و شعف هستند و با شعار «مهدی جان، مهدی جان» می خواهند نیاز به شور و شعف خود را ارضاء کنند که البته اگر جهت گیری معرفتیِ عمیقی پیدا کنند منجر به روحیه ای عارفانه خواهد شد. این که عده ای از جوانان ما می خواهند با موسیقی به شور و وَجْد بیایند چون می خواهند با دل خود زندگی کنند. روح زمانه، روحِ به صحنه آوردن «دل» است. اگر دل درست به صحنه آمد گمشده اش که «سلطان دل ها» است، یعنی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را پیدا می کند و فرهنگ اهل البیت علیهم السلام چنین ظرفیتی را دارد که دل ها را به صورتی صحیح تغذیه کند. همان مطلبی که پروفسور کُربن می گوید که « آنچه غزالی در آخر عمر به آن رسید- که با قلبش باید زندگی دینی را ادامه دهد- امامان شیعه از اول روی آن تأکید می کردند» با توجه به این امر آیت الله جوادی«حفظه الله تعالی» می فرمایند: «هرچه حرف حسابی غزالی دارد مربوط به آخر عمرش است که شیعه شده است».

ص: ۷۶

به هر حال امروز فرهنگ شیعه که رجوع به اهل البیت علیهم السلام است و به صحنه آمدن دلِ ایمانی، نیاز زمانه است و باز تأکید می کنم نمونه ی عینی آن حضرت امام خمینی«رضوان الله علیه» می باشد. حضرت امام ابتدا دل خود را با نور اسلام و حُب اهل البیت علیهم السلام زنده کردند و از همان طریق با خطاب قراردادن دل مردم، با مردم حرف می زدند. شاید این جمله ی شهید آوینی«رحمه الله علیه» که می گوید: «مردم بیش از آن که با عقلشان زندگی کنند، با دل شان زندگی می کنند» حرف امروز تاریخ ما است و به واقع باید روح زمانه را شناخت و آن را هدایت کرد، یعنی شور و وَجْدِ موجود را با تغذیه ی دل از طریق فرهنگ معصوم جواب داد، چون اساساً فرهنگ معصوم، فرهنگ قلب است، آن ها قلب مطهّر خود را در معرض حق قرار دادند و خداوند هم «دل» آن ها را نورانی کرد، پس دل باید در صحنه باشد ولی این دل باید از آلودگی پاک گردد تا به وَجْد و شعف حقیقی دست بیاید و این یعنی رجوع به فرهنگ ائمه ی معصومین علیهم السلام که سراسر دارای دل مطهر هستند و با چنین دلی باید شور انقلابی خود را تا آخر محفوظ نگه داشت و در ایجاد تاریخ مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سر از پا نشناخت.

پس باید جرأت کنیم به کل جهانِ موجود «نه» بگوییم و زمانه را جهت ظهور باطنی ترین بُعد هستی آماده نماییم. ان شاء الله.

«والسلام علیکم و رحمهالله و برکاته»

ص: ۷۷

منابع

قرآن

نهج البلاغه

بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، چاپ مؤسسه الوفاء، بیروت، لبنان

مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی

فصوص الحکم، محی الدین بن عربی

الکافی، ابی جعفر محمدبن یعقوب کلینی، چاپ دار الکتب الاسلامیه

شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید

امالی، شیخ صدوق

تفسیر عیاشی، محمدبن مسعود عیاشی، چاپخانه علمیه تهران

شرح مقدمه قیصری، سید جلال الدین آشتیانی

ارشاد، محمدبن محمدبن النعمان، چاپ کنگره شیخ مفید

کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، چاپ دارالکتب الاسلامیه

تحف العقول، حسن بن شعبه حرانی، چاپ انتشارات جامعه مدرسین

المعجم الموضوعی لاحادیث لامام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، الکورانی

ظهور نور، علی سعادت پرور

نجم الثاقب، میرزا حسین نوری

سیمای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن، هاشم بحرانی

استراتژی انتظار، اسماعیل شفیعی سروستانی

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سید محمد صدر

منتخب الاثر، لطف الله صافی گلپایگانی

مجله انتظار

منتهی الآمال، شیخ عباس قمی

مجله موعود

ینابیع الموده، قندوزی

ص: ۷۸

اثبات الهداه

غیبت نعمانی، محمد ابن ابراهیم نعمانی

شرح بر زادالمسافر،سید جلال الدین آشتیانی

مشارق الدراری، سعیدالدین سعید فرغانی

الخرائج و الجرائح، قطب راوندی

کشف الغمه فی معرفه الأئمه

جامع الاسرار،سید حیدر آملی

الأربعون حدیثا،شهید اول

تشیع و انتظار، محمدتقی خلجی

تاریخ ما بعدالظهور، محمد صدر

إعلام الوری بأعلام الهدی، شیخ طبرسی

صحیفه ی امام خمینی«رضوان الله علیه»

الرّیاض النضره، محبّ طبری

آثار منتشر شده از استاد طاهرزاده

- آشتی با خدا ازطریق آشتی باخود راستین
- جوان و انتخاب بزرگ
- ده نکته از معرفت النفس
- فلسفه حضور تاریخی حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف
- مبانی معرفتی مهدویت
- مقام لیله القدری فاطمه علیها السلام
- زیارت آل یس، نظر به مقصد جان هر انسان
- دعای ندبه، زندگی در فردایی نورانی
- بصیرت فاطمه زهرا علیها السلام
- جایگاه و معنی واسطه فیض
- امام خمینی و خودآگاهی تاریخی
- انقلاب اسلامی، باز گشت به عهد قدسی
- جایگاه اشراقی انقلاب اسلامی در فضای مدرنیسم
- مبانی نظری و عملی حب اهل بیت علیهم السلام
- آنگاه که فعالیت های فرهنگی پوچ می شود
- راز شادی امام حسین علیه السلام در قتلگاه
- تمدن زایی شیعه
- حقیقت نوری اهل البیت
- امام و امامت در تکوین و تشریع

امام و مقام تعلیم به ملائکه

ص: ۸۰

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹